



قرآن شریف

با

ترجمہ و تفسیر کاہلی

۲۵

## مقدمه

این قرآن مجید که معهُ ترجمه و تفسیر آن است، در افغانستان بنام **تفسیر کابلی** شهرت دارد. ترجمه و تفسیر این قرآن پاک را که عالم شهیر مولانا محمود الحَسَن (رح) "دیوبندی - اهل هند" و مولانا شبیر احمد عثمانی (رح) "اهل هند" و حضرت شاه عبدالقادر (رح) و مولانا محمد قاسم (رح) به زبان اُردو نوشته بودند، تحت نظارت علمای فاضل و ممتاز افغانستان از زبان اُردو به زبان دری ترجمه و تدوین شده است. آنها این میوهٔ قیمتی را در اختیار افغانهای مسلمان و مُتَدین قرار داده اند تا آنها از آن مستفید گردند و در زندگی مسیر درست را انتخاب کنند.

**روح مُترجمین و مُفسرین آن شاد و جایشان بهشت برین باد!**

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾

(هَرَاتینِه) ما (الله) فرورستادیم قرآن را و هَرَاتینِه (بدون شک) ما او را نگهبانیم (۹).

**آیت فوق در سورهٔ پانزدهم (سورهٔ حَجِر) است.**

(حَجِرِ وادی ای است در میان مدینه و شام و اصحاب حَجِرِ قوم ثمود را گوید)

قابل یادآوریست که هر صفحهٔ این قرآن عظیم الشان نسبت به اصل آن که ۱۰۰٪ بود تا ۱۳۵٪ کلانتر شده است.

**ترتیب کنندهٔ این سپاره: محمد هاشم معلم زبانهای دری، پشتو و فارسی در سویدن**

۲۰۰۳ - ۱۳۹۲ هجری شمسی مطابق به ۱۰ - ۰۶ - ۲۰۱۳ میلادی



# قرآن مجيد

بترجمه و تفسير

ان الحجر الذکر و انال الحطون

(سورة الحجر: ٩)

طبع على نفقة

عبدالله بن عبد الغني و اخوانه

بدولة قطر

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

پناه می‌برم به الله از شرّ شیطانِ رانده شده

(شیطان که از رحمت خدا دور شده)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوندِ بخشندهٔ مهربان

سپارهٔ بیست و پنجم (۲۵)

(جز بیست و پنجم)

# إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ ط

بسوی خدا حواله کرده میشود علم قیامت

تفسیر: وقت قیام قیامت را تنها او تعالی خبر دارد. بزرگترین انبیاء و مقرب ترین فرشتگان هم وقت آنرا تعیین کرده نمیتوانند، چنانچه هر کس بجواب سوال خواهد گفت «ما المسئول عنها باعلم من السائل».

# وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا

و بیرون نمی آید میوها از غلافهای خود

# وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ط

و حامله نمیشود هیچ ماده و نه میزاید مگر (مقرون) است بعلم خدا

تفسیر: علم الهی بهر چیز محیط است هیچیک خرما و دانه از خوشه خود و هیچ میوه از غلاف خود بیرون نمی آید مگر که خدای تعالی به آن علم دارد - نیز در شکم زن و یا کدام جانور ماده چوچه موجود است و آنچه میزاید همه از علم الله تعالی بیرون نیست - از روی همین مثال بدانید که وقت ظهور آخرت و وقوع قیامت که بطور نتیجه دنیای موجوده برپاشدنی است هم فقط بخدا معلوم است هیچ انسان و یا فرشته علم آنرا ندارد و نه به علم آن حاجت دارد بلکه لازم این است انسان بر طبق فرموده الله (ج) به آمدن قیامت یقین کند و فکر آن روز را نماید که آنجا شریکی بکار نمی آید و پناهگاهی پیدا نمی شود.

# وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ إِيْنِ شُرَكَائِي

و روزی که خدا ندا کند ایشانرا که کجا هستند شریکان من  
تفسیر: یعنی کسانی را که در خدائی من شریک میکردانیدید اکنون کجا هستند بخوانید آنها را.

# قَالُوا اِنَّكَ لَمَّا مِنْ شُهَدِئِ ج

گویند خبر دادیم ترا نیست یکی از ما (امروز) اقرار کننده شریکان

تفسیر: ما بحضور تو آشکارا عرض کردیم که مجرمی در بین مان نیست که برای اعتراف جرم (شرك) آماده باشد - (گویا در آن موقع به کمال بی حیائی بدروغ توسل جسته از اصل واقعه انکار خواهند کرد) و بعضی «شهود» را بمعنی «شاهد» گرفته چنین شرح داده است که «درین وقت هیچیکی از ما آن شرکاء را در اینجا نمی بیند».

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا اِيْدُ عُوْنِ

و کم شد از ایشان آنچه که می پرستیدند

مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوْا مَا لَهُمْ مِّنْ مَّخِيْصٍ ﴿٤١﴾

پیش از این و دانستند که نیست ایشان را هیچ مخلصی (جای خلاص)

تفسیر : کسانی را که در دنیا با خدا شریک گردانیده بودند امروز هیچ اثرشان معلوم نیست و بامداد پرستندگان خود نمیرسند امروز از دل های پرستندگان هم آن خیالات برآمده است آنها خوب فهمیده اند که حالا از سزای خدای هیچ راه نجات نیست و ذریعه تخلص گریبان نمانده - در نتیجه بکلی مأیوس و نا امید شده اند و کسانی که به حمایت شرکاء با پیغمبران مجادله و مخاصمه میکردند اکنون اظهار بیزاری مینمایند و عدم تعلق خود را بآنها نشان میدهند .

لَا يَسْأَلُ الْاِنْسَانَ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ

مانده نمیشود انسان از طلب خیر

وَ اِنْ مَسَّهُ الشَّرْفُ فِئُوْسٌ قَنُوْطٌ ﴿٤٢﴾

و اگر برسدش سختی پس او بکلی ناامید شکسته حال می باشد

وَ لَئِنْ اَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرِّ آءٍ

و اگر بچشانیم او را مهربانی از طرف خود بعد از سختی که

مَسَّتْهُ لَيَقُوْلُنَّ هٰذَا اِلٰى مَا اَظُنُّ السَّاعَةَ

رسیده باشد باو (هر آئینه) گوید این (لایق) برای من است و نمی پسندم قیامت را

قَائِمَةً ۗ وَ لَئِنْ رَجَعْتُ اِلٰى رَبِّيْ

قائم شدنی و اگر (بالفرض) باز گردانیده شوم بسوی پروردگار خود

# إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ ج

(هر آئینه) مرا نرداو حالت نیکوست

تفسیر: یعنی طبیعت انسان طور عجیب است که چون به اندک نیکوئی دنیا نائل شود و کمی عیش و آرام و صحت نصیب او گردد در اثر حرص و طمع میخواهد که بلذات بیشتری برسد و از حرص بی نهایت تنور شکم او پر نمیشود - اگر در اختیار و اقتدار او باشد ثروت و دولت تمام دنیا را در خانه خود جمع می نماید لیکن به مجردیکه کمی خساره و رنج شروع شد و سلسله اسباب ظاهری را بر علیه خود مشاهده کرد فوراً مایوس و مغلوب میشود و دلش افتاده امیدش همه از هر طرف منقطع میگردد زیرا که نظر او محض باسباب ظاهری و مادی محدود بوده بران قادر مطلق مسبب الاسباب اعتماد ندارد که اگر بخواهد به آن واحد میتواند تمام سلسله اسباب را از هم بگسلاند و معکوس نماید - بعد ازین مایوسی اگر فرضاً الله تعالی کلفت و مصیبت او را رفع نموده بار دیگر از مهربانی خود سامان عیش و راحت او را مهیا کند میگوید که «هذالی» یعنی چون فلان تدبیر را به کار بردم قرار تدبیر و لیاقت و فضیلت من می بایست که همین طور بوقوع می پیوست - درین وقت نه مهربانی خدای مهربان بیادش ماند و نه آن کیفیت مایوسی که چند دقیقه پیشتر قلب مضطربش را فرا گرفته بود این شخص در نشئه عیش و آرام چنان مخمور و مدهوش میگردد که از پیش آمد هر مصیبت و نکت آینده بکلی بی اندیشه میشود و چنان می فهمد که همیشه در همین حال باقی میماند - و اگر گاهی در هنگام این تأثیرات و وضعیت نام قیامت به گوش او میرسد میگوید که گمان نمیکنم که چنین چیزی گاهی و قوع پذیرفتنی است - و فرضاً اگر همین طور بوقوع پیوست و مجبور شدم که بحضور رب خود باز دیگر عودت کنم یقین دارم که عاقبت من بهتر خواهد بود - اگر نزد خدا بد و نالائق می بودم چرا این عیش و عشرت دنیوی را بمن میداد بنابراین توقع دارم که بروز آخرت هم همین طور معامله بامن به عمل بیاید .

# فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا ن

پس آنگاه میگردانیم کافران را به آنچه میکردند

# وَلَنذِيقَهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ٥٠

و (البته) بچشانیم ایشانرا از عذاب درشت

تفسیر: بهمین خیال خوش باشید که باوجود این کفر و تکبر در آنجا هم به لذات و عیش بهره مند میشوید - چون در آنجا برسید بر شما منکشف میشود که منکران مورد چه سزای سخت واقع میشوند و کردار تمام عمر دنیوی آنها چطور پیشروی شان می آید .

# وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ

و چون انعام کنیم بر انسان اعراض میکند

وَنَا بِجَانِبِهِ ۚ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ

و منحرّف کند پهلوى خودرا (یعنی پهلو تهی میکند) و چون برسد باو سختی

فَدُّوْا عَاۤءِ عَرِيْضٍ ۝۵۱

پس او خداوند دعای بسیار پهن است

تفسیر : در وقت استفاده از نعمت های الله از حق شناسی و سپاسگذاری منعم رو میگرداند و بکلی بی نیاز گردیده از آن پهلو تهی میکند باز وقتی که دچار مصیبت و درماندگی میشود بحضور همان خدادست برداشته به ادغیه عریض و طولانی می پردازد و شرم نمیکند که او تعالی را به کدام روی یاد کند و عجب این است که بعض اوقات از مشاهده اسباب نا مساعد از سببیکه دلش باطناً مایوس و اندوهگین است بد حواس و پریشان شده دست دعای او بی اختیارانه بسوی خدا (ج) برداشته میشود در قلب ناامیدی هم است و بر زبان یا الله هم - حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد که «این همه بیان نقصان و قصور انسان است که در آوان مصیبت صبر ندارد و در اوقات عیش و راحت شکر بجا نمی آورد» .

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

بگو خبر دهید مرا امر باشد قرآن از نزد الله

ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ أَضَلُّ هُمْ هُوَ

باز کافر شده باشید به آن کیست گمراه تر از آنکه او

فِي ثِقَاۤقٍ بُعِيْدٍ ۝۵۲

در مخالفت دور از صواب باشد

تفسیر : در آیات سابقه نقشه عجیب و غریب طبیعت انسانی را کشیده بر کمزوریها و بیماری های او به نهایت طریق موثر او را متوجه ساخته بود حالا تنبیه میکند که این کتابیکه شمارا به کمزوری های تان آگاه می سازد و سوی انجام توجه شمارا منعطف میگرداند اگر از نزد خدا (ج) آمده باشد (چنانکه واقعاً و حقیقتاً فرو فرستاده اوست) چرا آنرا باور نکردید و از چنین نصائح اعلی و بیش بهای آن انکار کرده فکر عاقبت خودرا نکردید بلکه به مخالفت حق پرداخته از آن دور شده رفتید آیا کدام گمراهی و نقصان و خساره ازین بیشتر خواهد بود ؟

سَرُّهُمْ اِيتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ

زوداست که بنمائیم ایشانرا نشانهای خودرا که درآفاق است و در نفسهای ایشان نیز

حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ ط

تا روشن شود برای ایشان که او حق است

تفسیر : دلائل و براهین دیگر حقا نیت قرآن را بجای خود بگذار اکنون مابه این منکران در جانهای خودشان و در چهار طرف مملکت عربستان بلکه در تمام دنیا آن نمونه های قدرت خودرا نشان میدهیم که بذریعه آن صدق قرآن و حامل قرآن مانند روز روشن به چشم دیده شود - آن نمونه ها چیست؟ آن عبارت است از فتوحات عظیم الشان و محیر العقول اسلام که با سلسله اسباب ظاهری بکلی برخلاف بوده عیناً مطابق پیشگوئی های قرآن و وقوع پذیرفت چنانچه کفار مکه در معرکه «بدر» در جانهای خود شان واز «فتح مکه» در مرکز عرب و در عهد خلفای راشدین در تمام جهان این نمونه هارا به چشم های خود دیدند و نیز ممکن است که از «آیات» علامات عمومی قدرت مراد باشد که برای غور کنندگان در وجود خود شان و خارج از وجود شان در اشیای تمام جهان بنظر می آید که از آن و حدانیت و عظمت حق تعالی ثابت میشود و بیانات قرآن تصدیق میشود در آن و قتیکه آن باسنن الهیه و نوامیس فطریه که در عالم تکوین حکم فرماست موافق ثابت شود چون چنین حقایق کونیه و آیات آفاقیه و انفسیه بمردم دفعتاً منکشف نمیشود بلکه وقتاً فوقتاً بتدریج از چهره آنها نقاب حجاب برداشته میشود لذا با «سنریمهم آیتنا» تعبیر فرمود .

اَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ اَنَّهُ عَلِي

آیا بسنده نیست؟ پروردگارتو اینکه او بر

كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ٥٣

هر چیز گواه است

تفسیر : فرضاً اگر کسی حقانیت قرآن را تسلیم نکند آیا شهادت خدای یگانه کافی نیست ؟ که او بر هر چیز گواه است و بذریعه غور و دقت در هر چیز ثبوت گواهی او حاصل میشود .

اَلَا اِنَّهُمْ فِي مَرِيَةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ ط

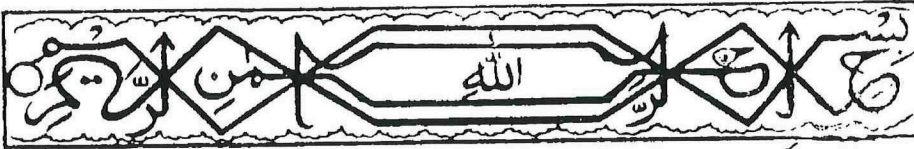
آگاه باش (هر آئینه) آنها در فریب (شک) اند از ملاقات پروردگار خود

۱۰۰ **الْآيَاتُ بِحُجَّتِ شَيْءٍ مَّحِيظٍ** ۵۴ ۵۶

آگاه باش خدا بهر چیز احاطه کننده است

تفسیر : آنها برین غلطی و فریب اندکه گاهی با خدا ملاقات نمیکنند و بحضور او حاضر نخواهند شد حال آنکه خدای تعالی هرچیز را احاطه کرده است این مردم هیچگاه از احاطه و تصرف او برآمده نمیتوانند - اگر بعد از مردن ذرات بدن آنها در خاک مخلوط و یا در آب منحل شود و یا در هوا منتشر گردد بازهم علم و قدرت الله تعالی بر هر ذره محیط است - آنها را جمع کرده سر از نو زنده کردن نزد او تعالی هیچ اشکال ندارد . (نمت سورة حم السجدة فله الحمد والمنة)

(سورة الشوری مکیة وهی ثلث وخمسون آية وخمس رکوعات)  
(سورة الشوری مکی و آن پنجاه و سه آیت و پنج رکوع است)



آغاز میکنم بنام خدا ای که بی اندازه مهربان نهایت با رحم است

**حَمَّ ۱ عَسَقَ ۲ كَذَّٰلِكَ يُوحَىٰ ۳ اِلَيْكَ**

مثل این سموره وحی فرستاده بسوی تو

**وَالِی الدِّینِ ۴ مِنْ قَبْلِكَ ۵ اللهُ الْعَزِیزُ**

و بسوی آنانکه پیش از تو بودند الله غالب

**الْحَكِیْمُ ۶ لَهُ مَا فِی السَّمَوَاتِ وَمَا فِی**

با حکمت مرا و راست آنچه در آسمانها و آنچه در

**الْأَرْضِ ۷ وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ ۸**

زمین است و اوست بلند بزرگ

تفسیر : این سموره (که مشتمل بر مضامین اعلی و اکمل است) بطرف تو وحی میشود همچنان عادت الله جاریست به فرستادن وحی بسوی تو و بسوی انبیای سابق که از آن شان حکمت و حکومت او تعالی ظاهر میگردد .

# تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ

نزدیک است آسمانها پاره شوند (بشگافند) از طرف بالای خود

تفسیر: از عظمت و جلال الهی (ج) یا از وزن فرشتگان بیشمار و یا از کثرت ذکر فرشتگان که تاثیر خاص داشته باشد قریب است که آسمانها بشگافند آنحضرت (ص) فرمودند که در آسمانها چهار انگشت جای هم خالی نمانده که در آن فرشته سر بسجود نباشد و بعضی آیت را چنان تاویل کرده اند که آنگاه که مشرکین برای خدای تعالی شریکها و پسران و دختران مقرر میکنند این کار آنها در حضور خداوند قدوس بقدری گستاخی بزرگی است که هیچ بعید نیست آسمانها تا سطح بالای خود بشگافند و ریزه شوند كما قال الله تعالی «تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرَّ الْجِبَالُ هَدًا أَنْ دَعَا الرَّحْمَنُ وَوَلَدًا» (سوره مریم رکوع ۶) مگر از شان مغفرت و رحمت کبریائی و از برکت تسبیح و استغفار ملائکه این نظام قائم است .

# وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

و فرشتگان تسبیح میکنند با حمد پروردگار خود

# وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ

و آمرزش میخواهند برای آنانکه در زمین اند

تفسیر: یعنی الله تعالی خطاء و لغزش مؤمنین را معاف میفرماید و کفار را در دنیا فوراً مؤاخذه نمی نماید ، آنها را بکلی تباہ و برباد نمیکند .

# الْآيَاتِ لِلَّذِي هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

آگاه باش (هر آئینه) الله اوست آمرزگار مهربان

تفسیر: بمهربانی خود دعای فرشتگان را قبول نموده خطاهای مؤمنین را معاف میکند و کافران را تا یک مدت مهلت میدهد و در تمام نظام کائنات بیک چشم زدن درهم و برهم می شد .

# وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ

و آنانکه گرفتند بجز خدا دوستان الله

حَفِیْظٌ عَلَیْهِمْ <sup>زصله</sup> وَمَا أَنْتَ عَلَیْهِمْ بِوَكِیْلٍ ⑥

نگهبان است بر (احوال و اعمال) ایشان و تونیستی برایشان متعهد

تفسیر : اگرچه مشرکین را در دنیا مهلت میدهد لیکن نباید فهمید که آنها برای همیشه نجات یافته اند - جمیع اعمال و احوال آنها در حضور خداوند محفوظ و ثبت است که بوقت معین مکتشف میشود ، نباید باین فکر بیفتی که اینها چرا قبول نمیکند و در صورتیکه قبول نمی کنند چرا فوراً نپناه نمیشوند ؟ مسئولیت این چیزها به ذمه تونیست و وظیفه تو فقط اینست که پیغام حق را برسانی - چون وقت موعود بیاید تمام حساب آنها را فیصله خواهیم کرد.

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا

و همچنین وحی فرستادیم بسوی تو قرآن عربی را

لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا

تا بترسانی (اهل) اصل قریهها (مکه) را و آنان را که در نواحی آن اند

تفسیر : مکه معظمه را (ام القری) ( قریه کلان) موسوم کرد که کل عربها در آنجا اجتماع می نمایند . بیت الله در آن جاست و آن خانه است که در روی زمین از همه اول عبادتگاه قرار یافت - بلکه از روایات معلوم میشود که الله تعالی در ابتدای آفرینش از همین مقامیکه خانه کعبه و قوع یافته زمین را شروع کرد و از اطراف و نواحی مکه اول ملک عرب و بعد از آن تمام دنیا مراد است .

وَنُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ

و بترسانی (مردم را) از روز جمع شدن (قیامت) هیچ شبهه نیست در (آمدن) آن گروهی

فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ⑦

در بهشت باشند و گروهی در دوزخ

تفسیر : آنها را آگاه کن که روزی آمدنی است که تمام مردم گذشته و آینده برای حساب دادن بحضور خدا جمع میشوند این چیز است یقینی که در آن هیچ فریب و شبهه نیست - انسان باید که برای آن روز آماده باشد - در آن روز کل آدمیان بدو طایفه تقسیم میشوند یک فرقه از جنتیان و دیگر از دوزخیان می باشد - اکنون بسنجید که در کدام گروه باید شامل شوید و بغرض شمول در آن چه آمادگی باید گرفت .

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً

و اگر خواسته بودی الله (هر آئینه) میگردانید مردم را يك امت (مؤمن)

وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ

و لیکن میدارد الله هر که را خواهد در رحمت خود

وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَرِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ①

و کافران نیست ایشانرا هیچ کارسازی و نه مدد گاری

تفسیر : بیشك او تعالی قدرت داشت که همه را يك قسم میساخت و بیشك راه روان میفرمود لیکن مقتضای حکمت او به همین رفته که صفات رحمت و غضب خود هر دو را اظهار فرماید بنابراین در احوال بنندگان اختلاف و تفاوت نهاد کسی را بسبب فرمان برداری او مورد رحمت خود قرار داد و کسی را بنابر ظلم و عصیان وی از رحمت خود دور انداخت - کسانی که از رحمت حق دور شده مستحق غضب گردیدند و حکمت الهیه آنها را مستوجب سزا گردانید هیچ جای ماوی و ملجأ ندارند ، هیچ رفیق و مددگاری را یافته نمیتوانند که آنها را از سزای الله نجات دهد .

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۗ فَاللَّهُ

آیا گرفته اند بجز الله کارسازان (اگر میگیرند کارسازی) پس الله

هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ

همون است کار ساز و اوست که زنده میکند مردگان را و اوست

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ②

بر هر چیز توانا تر

تفسیر : اگر رفیق و مددگاری میگیرید خاص الله را بگیرید که همه کارها را ساخته میتواند حتی مردگان را زنده کرده می تواند و نیز بر هر چیز قدرت دارد . این رفقای ناتوان و مجبور چه کرده میتوانند .

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ

و آنچه اختلاف میکنید در آن از چیزی پس فیصله آن تفویض شود بخدا

تفسیر: فیصله جمیع مجادله‌ها و منازعات باید تنها باو تعالی سپرده شود - عقاید باشد و یا احکام عبادات باشد و یا معاملات در هر چیزیکه اختلاف پیدا شود بهترین فیصله آن فقط به الله حواله میشود اگر او تعالی بذریعه دلائل کوتیه و یاد کتاب خود و یا بزبان پیغمبران خود صراحتاً و یا اشارتاً مسئله را فیصل نماید بنده حق چون و چرا در آن ندارد - چون الله تعالی برای پذیرفتن توحیدیکه اصل اصول است قولا و فعلاً پیهم حکم داده است چگونه جایز میشود که بنده در چنین فیصل قطعی و محکم معارضه بریا کند و شبهات بیموده را عرضه نموده از فیصله مذکور سر باز زند .

ذَالِكُمْ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

این (زنده کننده مردگان و توانا بر هر چیز) الله است پروردگار من خاص براو توکل نمودم

وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۱۰

و بسوی او رجوع میکنم

تفسیر: من همیشه بر همان ذات متعال توکل دارم و هر معامله را خاص بسوی او رجعت میدهم .

فَاطْرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلْ لَكُمْ مِنْ

آفریننده آسمانها و زمین است آفرید برای شما

أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا

جنس شما جفتها و از چهار پایان جفتها

تفسیر: از چهار پایان هم نر و ماده آفرید که طرف استفاده شما قرار میگیرند .

يَذَرُكُمْ فِيهِ

پراکنده و بسیار میسازد شمارا درین (تدبیر)

تفسیر: آدمیان و جانوران را جدا جدا جورها ساخته نسلهای آنانرا پراکنده ساخت که همه آنها بر روی زمین در پی حصول روزی و معیشت خود کوشان میباشند .

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ج  
 نیست مانند او هیچ چیزی

تفسیر: نه در ذات چیزی مماثل اوست نه در صفات نه مانند احکام و فیصله های او کسی حکم و فیصله داده می تواند و نه مانند دین او کدام دینی است نه او جوره دارد نه همسر و همجنس .

وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝  
 و اوست شنوا بینا

تفسیر: بدون شك و شبهه هر چیز را می بیند و می شنود مگر دیدن و شنیدن او هم مانند مخلوق نیست اگر چه همه کمالات در ذات وی موجود است لیکن کمالی نیست که بتوان کیفیت آنرا بیان نمود زیرا که نظیر آن قطعاً وجود ندارد . او تعالی از مشابهت و مماثلت مخلوق بکلی پاک مقدس و منزّه است پس کیفیت صفات او را چگونه توان بفهم آورد ؟ .

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ج  
 مر اوراست کلیدهای آسمانها و زمین  
 يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ ط  
 فراخ میسازد رزق را برای هر که خواهد و تنگ میکند (برای هر که خواهد)  
 إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝  
 (هر آئینه) او بهر چیز داناست

تفسیر: کلیدهای تمام خزاین بدست قدرت و تصرف اوست و بس . از هر خزانه بهر کس هر آنقدر که بخواهد مرحمت مینماید - همان ذات متعال است که تمام حیوانات را روزی میدهد لیکن تعیین کم و زیاد را بروفق حکمت خویش میکند فقط او تعالی خبر دارد که کدام چیز چقدر استحقاق دارد و چقدر انعام در حق او مصلحت است عطایای دیگر او را هم مانند روزی بدانید .

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا  
 بیان نموده (الله) راه روشن برای شما از دین آنچه را که وصیت کرده بود به آن نوح را

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ

و آنچه را که وحی کردیم بسوی تو و آنچه وصیت کردیم به آن

إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ

ابراهیم و موسی و عیسی را

تفسیر : بعد از آدم(ع) اولین رسول حضرت نوح (ع) است بلکه باید گفت که در حقیقت سلسله تشریح احکام از حضرت نوح(ع) آغاز گردیده و آخرین پیغمبران حضرت محمد مصطفی (ص) می باشد که سلسله رسالت و نبوت برو منتهی گشت - از جمله انبیاء و رسولیکه در بین این امت آمدند حضرت ابراهیم ، حضرت موسی و حضرت عیسی علیهم السلام مشهورترند و یادکنندگان اسمای این حضرات در هر عصر به تعداد زیاد موجود بوده اند - این پنج پیغمبر را پیغمبران اولوالعزم میگویند - بهر حال حق تعالی درین موقع وضاحتاً و انمود کرده که اصل دین همیشه یک چیز بوده است زیرا که در عقاید ، اخلاق و اصول دیانت همه متفق بوده اند لیکن در بعض فروع قرار مصلحت زمانه اندکی تفاوت پدید آمده و خدای تعالی طریقه قائم نمودن دین را در هر عصر جداگانه مقرر کرده است چنانچه آنرا در موقع دیگر فرموده «لکل جعلنا منكم شرعة ومنهاجا»

أَنْ أَقِيَهُو الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ

که بر پا بدارید دین را و اختلاف میندازید در آن

تفسیر : به جمیع انبیاء و اتمهای ایشان حکم شد که دین الهی (ج) را به قول و عمل خود قائم بدارند و در اصل دین هیچ نوع تفریق و اختلاف را رواندارند .

كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ

مگران است بر مشرکین آنچه دعوت میکنی ایشان را بسوی آن

اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي

الله بر میگزیند (و جلب میکند) بسوی آن هر کرا خواهد و راه مینماید

إِلَيْهِ مِنْ يَلِيبٍ ط (۱۳)

بسوی آن هر که رجوع میکند به آن

تفسیر : بسوی دین توحیدیکه تو مردم را دعوت میکنی بر مشرکین خیلی کران و دشوار است گویا تو کدام چیز جدید و عجیب را به آنها میگوئی که پیش ازین هیچکس و هیچگاه آنرا نگفته بود - پس وقتی که چنین مسئله روشن معقول و متفق علیه مانند توحید به آنها دشوار و گران معلوم میشود و مردم نیز در آن از تفرقه اندازی باز نیامدند حقیقتاً جهالت و بدبختی شان بدرجه انتهای رسیده است - اما راست اینست که هدایت و رشد و غیره همه بدست پروردگار است او هر که را بخواهد از بین بندگان خویش برگزیده بسوی خود جلب مینماید و او را برحمت و موهبت خود به مقام قرب و اصطفاء فائز میگرداند و کسانی که به حسن استعداد خود به او رجوع میکنند و زحمتها میکشند زحمت های آنها را پاداش دادن، ایشان را دستگیری نمودن و کامرانی بخشیدن هم کار اوست قال الله تعالی «وَرَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» (القصص - رکوع ۷) و قال «اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ» (حج رکوع ۱۰) و قال «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت رکوع ۷) بهر حال بهدایت کسیکه حکمت الهی (ج) مقتضی باشد همان آدم هدایت یافته و فائز المرام شده میتواند .

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ

و اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه آمد بایشان علم

بَغِيًّا بَيْنَهُمْ ط وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ

(اختلاف کردند) از روی حسد در میان خود و اگر نبود سخنی که سابق صادر شده از

رَّبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقَضَىٰ بَيْنَهُمْ ط

پروردگارتو (در تاخیر عذاب) تا وقت معین (البته) فیصله کرده میشد میان ایشان (به نزول عذاب)

وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ

(و هر آئینه) آنانکه داده شد ایشانرا کتاب بعد از ایشان

لَفِي شَكِّ مِّنْهُ مَرِيْبٌ ﴿١٣﴾

در شك مضطرب کننده اندازان

تفسیر : کسانی که در توحید و اصول دین اختلاف انداختند و در کتب سماویة تحریف کردند این کار را از سبب غلط فهمی و یا اشتباه بعمل نیاوردند چه در چنین تعلیمات صاف و صریح و متفق علیه چه اشتباه و التباس واقع شده میتواند ؟ بلکه محض نفسانیت - عداوت و طلب مال و جاه و دیگر اسباب است که فی الحقیقت باعث این تفریق و اختلاف مذموم شده است . بعد ازین هنگامیکه اختلافات برپا شد و مذاهب مختلفه پدید آمد نسلهای آینده به خبط و فریب عجیبی افتادند و چنان شکوک و شبهات را نزد خود قائم کردند که بهیچ حالت آنها را آرام و مطمئن نمیگذارد مگر اینهمه از آن سبب بعمل آمد که الله تعالی به مقتضای حکمت خود بندگان را مهلت داد چه اگر او تعالی میخواست تمام اختلافات را یکدم خاتمه میداد لیکن اجرای چنین کاری منافی غرض اصلی تکوین بود حکمت بالغة او تعالی همین چیز را تقاضا دارد که فیصله عملی و قطعی این اختلافات در دور دوم زندگی بیک وقت معین بعمل آید و اگر این حکم از سابق صادر شده نمیبود تمام معارضهها و منازعهها علی الفور خاتمه داده میشد .

فَلِذَلِكَ فَادْعُ ۚ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ ۚ

پس باین سبب دعوت کن (بسوی دین و اتفاق) و قائم باش (بران) چنانکه مامور شده

وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ هُمْ ۚ وَقُلْ اٰمَنْتُ بِمَا

و پیروی مکن خواهشات آنها را و بگو ایمان آوردم به آنچه

اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنْ كِتٰبٍ ۚ وَاْمُرْتُ لِاَعْدِلَ

فرو فرستاده الله کتاب و مامور شده ام که عدل کنم

بَيْنَكُمْ ۗ اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۗ لَنَا اَعْمَالُنَا

میان شما الله پروردگار ما و پروردگار شماست ما راست کردارهای ما

وَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ ۗ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ ۗ

و شماراست کردارهای شما هیچ خصومت نیست میان ما و میان شما

اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا ج وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ط (۱۵)

الله جمع میکند میان ما (و شما) و بسوی اوست بازگشت

تفسیر : چون راجع بدین حق طوفانهای تفریق و اختلاف از چهار طرف برپاست فرض تو همین است که با عزم غیر متزلزل مردم را بسوی همان دین و آئین دعوت کنی که آدم و نوح و بعد از آنها تمام انبیاء تا حال به آن دعوت داده اند . تو از حکم پروردگار خود يك ذره هم منحرف مشو قولا و فعلا - علما و حالا بر همان راه مستقیم باش که تا حال بر آن بوده از خواهشات مکذبین و معاندین بکلی صرف نظر نما و واضحاً اعلان کن که (من بهر کتاب فرورفته‌ام خدا خواهد تورات و زبور باشد یا انجیل و یا قرآن و یا کدام صحیفه که در کدام زمانه بر پیغمبری نازل شده باشد) به صدق دل یقین دارم کار من تکذیب صداقت های سابق نیست بلکه همه آنها را قبول کردن و باقی نگه داشتن است و بمن حکم داده شده که در بین شما انصاف کنم و در اختلافاتی که شما پدید آورده اید منصفانه فیصله نمایم و در تبلیغ احکام و شرایع و یا فصل خصومات اصول عدل و مساوات را قائم بدارم هر آن صداقت و راستی که در جائی و یا مذهبی یافت شود آنرا بدون تکلف تسلیم نمایم همانطور که شما را بسوی بندگی و فرمان برداری خدا بخوانم پیش از شما خودم احکام الهی (ج) را کاملاً تعمیل کنم و به اثبات برسانم که بنده فرمان بردار کامل او تعالی هستم چرا میدانم که پروردگار ما و شما یکی است و بنابراین بر همه ما لازم است که برای حصول خوشنودی او کار کنیم اگر این طور نکرده ایم ما با شما تعلق نداریم ما وظیفه دعوت و تبلیغ را ادا کردیم و سبکدوش شدیم هیچیکی از ما در باب امان دیگری مسئول نیست عمل هر کس همراه اوست و پیش رویش خواهد آمد پس باید برای حصول نتایج آن آماده باشد بعد از این ضرورت نداریم که با شما مجادله و معارضه کنیم چه همگان به محکمه عدالت خدا (ج) حاضر شدند هستیم چون در آنجا برسیم بهر کس واضح خواهد شد که از دنیا چه چیز کمائی کرده و در آنجا چه توشه باخود آورده است ؟ .  
تثبیه : این آیات مکی است آیات قتال در مدینه نازل شد .

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ

و آنانکه و (دین) الله در (دین) الله در از آنکه

مَا اسْتَجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ

قبول کرده شده آن خصومت ایشان باطل است نزد پروردگار ایشان

وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ ۖ وَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۱۶)

و برایشان است غضب (خدا) و ایشان راست عذاب سخت

تفسیر : چون صدق دین خدا (ج) و کتاب و سخنان او علناً ظاهر گردید تا حدیکه بسا افراد دانشمند آنرا قبول کردند و برخی باوجود قبول نکردن آن به صدق این چیزها اقرار نمودند لهذا کسانی که باوجود اینقدر ظهور ووضوح بازم گفتگو میکنند و باقبول کنندگان داخل معارضه می شوند آنها مستحق غضب خدای تعالی و عذاب شدید هستند چونکه همه مجادله های آنها دروغ و همه بحث های ایشان با در هوا و باطل است .

اللَّهُ الَّذِي آتَىٰ أَنْتَ كِتَابَ الْكِتَابِ بِالْحَقِّ

الله آنست که فرو فرستاد کتاب را بحق

وَالْمِيزَانَ ط  
و ترازو و رانیز

تفسیر : الله تعالی ترازوی مادی را که با آن اجسام را وزن میکنند فرو فرستاد و نیز میزان علمی را که آنرا عقل سلیم می گویند و هم ترازوی اخلاقی که آنرا عدل و انصاف میگویند و بزرگترین ترازو عبارت از دین حق است که حقوق خالق و مخلوق را به کمال صحت و درستی تفریق و تعیین میکند و نیز هرچه به ذریعه آن بدون کمی و بیشی وزن میشود .

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ۝١٧

و چه چیز آگاه میسازد ترا (بقریب قیامت بدون از وحی) شاید آمدن قیامت نزدیک است ( پس متابعت کتاب و عمل بشرائع کن پیش از آمدن آن )

تفسیر : یعنی اعمال و احوال خود را بر محك كتاب الله زده و در ترازوی دین حق وزن نموده امتحان کنید که تا کدام اندازه خالص و صحیح می برآید چه میدانید که ساعت قیامت بالکل قریب رسیده باشد باز در آنوقت تدارك هیچ چیز نمیشود باید خوب بیندیشید و علاج واقعه را قبل از وقوع آن نمائید .

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا ج  
بشتاب میطلبند قیامت را آنانکه یقین ندارند به آن

وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا ۝١٨ وَيَعْلَمُونَ  
و آنانکه یقین داشتند ترسند گانند از آن و میدانند که

أَنَّهَا الْحَقُّ ۖ الْآرَاتِ الَّذِينَ يَمَارُونَ

(بتحقیق) آن ثابت است آگاه شو (هرآئینه) آنانکه مخاصمه میکنند

فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝۱۸

در آمدن قیامت (هرآئینه) واقع اند در گمراهی دور

تفسیر: کسانی که به قیامت یقین ندارند به قسم تمسخر و استهزاء به کمال بی اعتنائی میگویند (خوب صاحب! این قیامت کمی آید آخر سبب تاخیر چیست چرا زود نمی آید؟) لیکن کسانی را که الله تعالی بایمان و یقین بهره مند ساخته است از تصور این ساعت هولناک می لرزند و هراسان میشوند و خوب میدانند که بوقوع پیوستنی است و کسی آنرا باز داشته نمیتواند - بنابراین به آمادگی آن علی الوام مصروف میباشند اکنون بسنجید که عاقبت این کافران معارضه کننده چه میشود؟ وقتی که شخصی برود قیامت هیچ یقین ندارد چه آمادگی کرده باشد آری هر قدر که برین حقیقت استهزاء کند در گمراهی خویش افزوده میرود.

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ

الله دارای لطف است به بندگانش

تفسیر: باوجود تکذیب و انکار روزی کسی را قطع نمیکند بلکه باریکترین احوال بندگان را رعایت میکند و به کمال نرمی و تدبیر لطف آنها را تربیه میفرماید.

يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ۝۱۹

روزی میدهد هر که خواهد واوست مقتدر غالب

تفسیر: بهر کس هر قدر که بخواهد رزق میدهد.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ

هر که باشد که خواهد کشت آخرت را می افزائیم برای او

فِي حَرْثِهِ ۚ

در کشت وی

تفسیر : ثواب يك نیکی را ده چند میدهیم بلکه هفت صدچند و بیش از آن هم و آنچه در دنیا از برکت ایمان و عمل صالح فراخی و آسودگی باومیرسد علاوه بر آن است .

وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤُتْهِ

وهر که باشد که خواهد کشت دنیا را میدهیم او را

مِنْهَا جَ وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ۲۰

از آن (در صورتیکه بخوایم) نیست او را در آخرت هیچ بهره

تفسیر : کسیکه برای حصول دنیا رنج و زحمت کشد باندازه قسمت به آن نائل شود سپس فایده آن محنت در آخرت هیچ نیست قال الله تعالی «عجلنا له فیها ما نشاء لمن نريد ثم جعلنا له جهنم» (بنی اسرائیل - رکوع ۲۴) .

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ

آیا برای ایشان شریکانند که راه ساختند برای ایشان از دین

مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ ط

آنچه اذن نداده به آن الله

تفسیر : الله تعالی به زبان انبیاء راه آخرت و دین حق را وانمود فرمود آیا بدون او کدام ذات دیگری هست که در مقرر نمودن راه دیگر حق و اختیار داشته باشد ؟ که او چیزهای حرام کرده خدا را حلال و چیزهای حلال کرده خدا را حرام بگرداند - پس این مشرکین آن راه را که انبیاء (ع) تلقین کرده بودند چرا گذاشتند و راهای دیگر را از کجا کشیدند ؟

وَلَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ط

و اگر نبود کلمه فیصله (در تاخیر عذاب) (البته) فیصله کرده میشد در میان ایشان (و میان مؤمنان)

وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۲۱

و بتحقیق کافران راست عذاب دردناک

تفسیر : وعده فیصله در وقت مقرر آن میرسد .

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا

می بینی کافران را (در روز قیامت) ترسندگان از (جزای) آنچه کردند

وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ

وآن (البته) واقع شدنی است بایشان

تفسیر: از نتایج وخیم کردار های خود اگرچه امروز ترسند لیکن در آن روز خواهند لرزید - باید دانست که این ترس و بیم بر آنها حتماً واقع شدنی است و بهیچ طریق از آن رهایی نمی یابند .

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي

و آنانکه ایمان آوردند و کارهای نیک باشند در

رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ

باغهای پاکیزه تر جنتها ایشان راست آنچه میخواهند

عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

نزد پروردگارایشان این است همان فضل بزرگ

تفسیر: در جنت بهر گونه نعمتهای جسمانی و روحانی میرسند و بر علاوه قرب رب خود رانائل میشوند این است فضل بزرگ او که عیش و آرام دنیا در مقابل آن هیچگونه ارزشی ندارد .

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ

این آن (ثواب) است که مژده میدهد الله آن بندگان خود را

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

که ایمان آورده اند و کارهای نیک کرده اند

تفسیر: مژده که پروردگار بدهد آن وعده اجرا شدنی است .

اجرا شدن است

قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ

بگو نمیخواهم از شما برتبلیغ هیچ مزدی مگر دوستی

فِي الْقُرْبَى ط

قربانت

در

تفسیر : دولتی مانند قرآن به شما اعطاء میکنم ، راه نجات و فلاح ابدی را به شما وانمود کرده و از جنت برای تان خوش خبری میدهم۔ این همه محض «لوجه الله» است و هیچ معاوضه این خیر خواهی و احسان را از شما نمی طلبم ۔ تنها يك چیز از شما میخواهم که اقلاً از تعلقات نسبی و خاندهانی که با من دارید صرف نظر نکنید ۔ خبر دارید که با اقارب و خویشاوندان خود چه سلوک و رفتار میکنید؟ بسا اوقات بيموقع هم بحمايت آنها ميپردازيد من بشما ميگويم که۔ «اگر سخن مرا قبول نمیکنید ۔ دین مرا نمیپذیرید و به تائید و حمایت من قیام نمی ورزید اختیار دارید لیکن اقلاً حقوق قربانت و رحم رابه خاطر آورده از ظلم و ایذاء باز آئید ۔ و بمن اینقدر آزادی و راه بدهید که پیغام پروردگار خود را بدینا برسانم ۔ آیا اینقدر دوستی و محبت فطری را هم از طرف شما استحقاق ندارم ؟»

تنبیه : این معنی آیت از حضرت ابن عباس در صحیحین منقول است ۔ بعض سلف مطلب «الالهودة في القربى» را این گرفته اند که «شما در میان خود با یکدیگر محبت کنید و حق قربانت را بشناسید» و بعض از (قربى) نزدیکی خدا را مراد گرفته اند یعنی «محبت کار هائی را در دل جا بدهید که شما را به خدا قریب سازد» مگر تفسیر صحیح و راجح همان است که ما اول نقل کرده ایم ۔ بعض علماء از «الالهودة في القربى» محبت اهل بیت نبوی را مراد گرفته و این طور معنی کرده اند که «هیچ مزد تبلیغ را از شما نمی طلبم فقط همین قدر میخواهم که (با اقارب من محبت کنید) شکی نیست که محبت اهل بیت و اقارب نبی کریم (ص) و تعظیم و حق شناسی آنها برامت مسلمة لازم و واجب و جزء ایمان است و به آنها درجه به درجه محبت داشتن در حقیقت بر محبت آن حضرت صلعم متفرع است لیکن این آیت را چنین تفسیر کردن در حالیکه خلاف شان نزول و روایات صحیحه نیز می باشد به شان رفیع آن حضرت صلعم هم مناسب و موزون معلوم نمیشود ۔ والله اعلم .

وَمَنْ يُقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حَسَنًا ط

و هر که بکند نیکی می افزائیم برای او در آن نیکوئی

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ شَكُورٌ ٢٣

بتحقیق الله امروزگار قدر شناس است

تفسیر: یعنی اگر انسان راه خوبی و نیکی را اختیار کند الله تعالی به حسن و خوبی او میفزاید چون در آخرت اجر و ثواب بی حساب باو میدهد و در دنیا خوی نیک باو عطا میفرماید لهذا برمی آید که لغزشهای او را معاف فرموده است درین موقع این مضمون را شاید از سببی تذکر داده که (اقلام محبت قرابت از شما مطلوب است که حاصل آن شمارا از ایذاء و ظلم باز داشتن بود لیکن کسیکه بیش از آن نیکی نماید نیک بداند که بحضور خدای متعال نیکی کسی ضایع نمیشود بلکه زیاد شده میرود).

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۚ

آیا میگویند که بسته است (پیغمبر) بر الله دروغ را (اگر چنان بودی)

فَإِنْ يَشَاءِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ ۖ وَ يَهَيِّجُ

پس اگر خواهد الله مهر زهد بر دل تو (زائل کند از تو آن وحی را که بتو می آمد) و نابود می سازد

اللَّهُ الْبَاطِلَ ۖ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ ۖ

الله بیهوده را و اثبات میکند دین درست را به سخنهاي خود

إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ (۲۴)

(هر آینه) خدا داناست به آنچه در سینه هاست

تفسیر: بفرض مجال اگر يك سخن هم به نسبت خدا دروغ ساخته بگوئی خدای تعالی قدرت دارد که بردل تو مهر کند در نتیجه فرشته با این کلام معجز بر قلب تو فرود آمده نتواند و سلسله وحی مسدود گردد بلکه اعطای سابقه هم از پیش تو سلب شود كما قال «ولئن شئنا لنذهبن بالذی اوحینا الیک ثم لاتجد لک به علینا وکیلا الارحمة من ربک ان فضله کان علیک کبیرا» (بنی اسرائیل رکوع ۱۰) مگر چون واقعا شائبه از کذب و افتراء در تو وجود ندارد لذا بنا بر قدر ناشناسی این اشقیاء و طعن و تشنیع آنها نمیتوان این فیض را منقطع نمود بیشک خدای تعالی آنرا جاری خواهد داشت و بذریعه سخنان خود حتماً دروغ را دروغ و راست را راست ثابت خواهد کرد در آن وقت بر همه مخلوق واضح و روشن میگردد که از بین فریقین کدام کس دروغگو و مفتری است و بردل کدام کس الله تعالی واقعا مهر نهاده است که برای پذیرفتن حق و نفوذ خیر هیچ گنجایش در آن نمانده - باقی ماند سوالیکه آن سخنان خدا چیست که دروغ به ذریعه آن محو نابود گردد و حق ثابت شود نزد من همان دلائل و براهین است که او تعالی بر صداقت قرآن و پیغمبر قائم کرده است خصوصاً عبارت از آن آیات انفسیه و آفاقیه است که ذکر آن در خاتمه سوره «حم السجده» در حاشیه «سنریم ایتانافی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» کرده شده هر وقتیکه این آیات به ظهور برسد کیفیت دلهای خالص و ناسره علناً بمنصه شهود میآید.

تنبیه : تفسیر این آیت به چندین قسم کرده شده مگر نزد بنده شرح بی تکلف و آسان همان است که در فوق عرض شد قرآین تفسیر «ویمح الله الباطل» جمله مستانفه میشود چنانکه از ترجمه ظاهر است و اکثر محققین همین راه را گرفته اند البته معنی مضارع را مترجم (رح) به فعل حال گرفته است که بالکل صحیح است مگر به خیال بنده درین موقع فعل استقبال را گرفتن موزون تر است (والله اعلم) حضرت شاه صاحب (رح) «ویمح الله الباطل» را بر «یختم علی قلبك» عطف میکند چنانچه میفرماید «یعنی الله تعالی چگونه کسی را بگذارد که بر ذات او دروغ بندد بردل چنان مهر نهد که هیچ مضمونی برای بستن دروغ نیابد و اگر او تعالی بخواهد کفر را بدون آنکه پیغام بفرستد محو و نابود کند مگر او تعالی از سخنان متین خود دین مبین را به اثبات میرساند ازین سبب کلام خود را بر نبی میفرستد».

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ

و اوست آنکه قبول میکند توبه را از بندگان خود

وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۲۵﴾

و در میگذرد از گناهان و میداند آنچه میکنید

وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

و قبول میکند دعای آنانرا که ایمان آوردند و کردند کارهای نیک

وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ ط

و زیاده میدهد ایشانرا از فضل خود

تفسیر : پیغمبر پیام خدا را میسرساند خواه شما آنرا دروغ بدانید و یازاست بعد از آن تمام معامله بندگان با خداست درد نیا و آخرت با هر یک بنده بروفق حال و استعدادش معامله میشود توبه تائبین را قبول میفرماید و با وجود علم محیط خود چندین بلی را عفو مینماید - بندگان ایماندار و نیک کردار سخنان او را می پذیرند و او تعالی دعا های آنها را می شنود و شرف قبول می بخشد و قرار اصول عمومی بهر قدر اجر و ثوابیکه استحقاق دارند بفضل و مرحمت خویش به مراتب بیشتر از آن به آنها عطا میفرماید باقی سرانجام کافران پخته و منکران معاندیکه تادم مرگ توفیق رجوع و توبه به آنها میسر نشد در جمله آینده مذکور است .

وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿۴۶﴾

و کافران راست عذاب سخت

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا

و اگر فراخ کردی الله رزق را بر جمیع بندگان خود البته طغیان میکردند

فِي الْأَرْضِ وَلَٰكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ

در زمین و لیکن فرود می آرد باندازه

مَّا يَشَاءُ ۗ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿۴۷﴾

آنچه خواهد (هر آئینه) الله بر بندگان دانا بیناست

تفسیر : در خزانه های خدا (ج) هیچ کمی نیست اگر بخواهد تمام بندگان خود را غنی و توانگر میگرداند لیکن مقتضی حکمت نیست که همه را از اعطای روزی بی اندازه خوشحال و آسوده نگه کند اگر چنین بعمل آورده میشد عموماً مردم شیوة طغیان و تمرد گرفته در دنیا طغیان و تمرد می کردند، آنها نه بحضور خدا نیاز و انقیاد می نمودند و نه مخلوق خدا را به خاطر می آوردند هیچ کس به مال و متاع موهوبه قناعت نمیکرد بلکه به حرص و آرزو آنها افزوده میشد چنانکه به حالت موجوده هم عموماً حرص مفرط افراد دولت مند و مالدار به مشاهده میرسید ایشان دائماً از آنچه در دست دارند بیشتر از آنرا خواهان میباشند تمنا و کوشششان همین است که خانه های همه مردم را خالی و خانه خود را پر کنند - پر ظاهر است که تحت این حسیات و جذبات اگر غنا و خوشحالی عمومی می بود چه تصادم بزرگ و عمومی بوقوع می پیوست و علتی موجود نمی بود که یکی زبردست دیگری باشد. آری بر عکس ذوق و رجحان عمومی دنیا فرض کنید که اگر کدام وقت به طور خارق العاده در اثر نگرانی و تلقین و اداره کدام مصلح کبیر و مامور من الله خوشحالی و فارغ البالی عمومی موجود شود ، هیچ طغیان و بغاوت به ظهور نرسد و از سبب اینگونه انقلاب عظیم ایشان زمانه در طبائع انسانی انقلاب پیدا شود ازین قاعده عادی و کثیر الوقوع مستثنی خواهد بود . بهر حال تقاضای نظام و دستوری که اداره دنیا بر طبق آن به وضعیت حاضر منظور است همین است که غناء عمومی نباشد بلکه بهر کسی مطابق استعداد و احوال او هر قدریکه مناسب باشد باندازه صحیح داده شود - فقط خالق متعال خبر دارد که در حق کدام کس کدام صورت اصلاح او لایق است زیرا که او تعالی از حالات آینده و گذشته همه مخلوق پوره آگاه است .

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ

و اوست آنکه فرودمی آرد باران را بعد از

مَا قَنَطُوا وَ يَنشُرْ رَحْمَتَهُ ط وَ هُوَ

انقطاع امید آنها و پراکنده می سازد رحمت خود را و اوست

الْوَالِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٨﴾

تار ساز ستوده

تفسیر : بسا اوقات از مشاهده اسباب و حالات ظاهری چون مردم از نزول باران مأیوس میشوند - حق تعالی باران رحمت را نازل و آثار و برکات مهربانی خود را در تمام اطراف پراکنده میکند تا بر بندگان ثابت گردد که مانند رزق اسباب رزق هم در قبضه قدرت اوست طوریکه او تعالی روزی را بیک اندازه خاص عطا میفرماید باران را هم در اوقات خاص و به مقدار خاص مرحمت می نماید . حقیقت این است که تمام کارها در قبضه اختیار اوست و هر چه کنند عین حکمت و صواب است زیرا که جمیع خوبیها و کمالات در ذات وی جمع است و هر نوع کار سازی و اعانت و امداد تنها از بارگاه او بروز میکند .

تنبیه : از رحمت و قدرت الله تعالی مأیوس شدن شیوه کافران است لیکن در نظر یک مؤمن میتواند سلسله اسباب یأس آور باشد چنانکه فرمود «فلما استأیسوا منه خلصوا نجيا» (یوسف رکوع ۱۰) نیز «حتی اذا استأیس الرسل» (یوسف رکوع ۱۲) .

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

و از نشانه های او آفریدن آسمانها و زمین است

تفسیر : چنانکه رسانیدن رزق و فراهم آوردن وسائل آن (چون بارندگی و غیره) در قبضه اوست اسباب سماویه و ارضیه که مؤثر آن اسباب است و آثار و نتایج آن هم فقط مخلوق اوست .

وَمَا بَتْ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ ط

(و آفریدن آنچه پراکنده ساخته در آسمانها و زمین از جنبندگان

تفسیر : از مضمون این آیت بر می آید که در آسمانها هم مثل زمین از نوع مخلوقات جاندار یافت میشود .

وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذْ أَيْشَاءُ قَدِيرٌ ﴿۳۹﴾

و او بر فراهم کردن ایشان وقتیکه خواهد توانا تراست  
تفسیر : ذاتیکه مخلوقات را پرا گنده کرده جمع هم کرده میتواند و این کار بروز قیامت بعمل می آید .

وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ

و آنچه برسد بشما از مصیبت پس بسبب آنست که کسب کرده

أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ﴿۴۰﴾

دستهای شما و درمیگذرد از بسیاری (گناهان)

تفسیر : چنانکه نعمتها بیک اندازه خاص و اوقات و احوال خاص داده میشود نزول مصائب هم قرار اسباب و ضوابط خاص بعمل می آید مثلاً هر سختی و مصیبت که به بندگان پیش میشود سبب قریب یا بعید آن فقط اعمال و افعال بندگان میباشد چنانکه انسان از سبب بی احتیاطی خودش در غدا و غیره مریض میشود بلکه بعض اوقات هلاک میگردد و یا بعض اوقات بد پرهیزی والده کودک را مبتلای رنج و مریضی میگرداند و یا گاه گاهی از سبب بد لگامی و حماقت اهل کوچه و یا اهل شهر تمام کوچه و شهر دچار نقصان میگردد نتیجه بد پرهیزی و بی تدبیری روحانی و باطنی را هم همین طور بدانید گویا هر مصیبت دنیا نتیجه بعض اعمال ماضیه بندگان است و نیز تنبیه برای امتحان آینده است اینکه بندگان در برابر معاصی ایشان دفعتاً مواخذه نمیشوند از آن سبب است که رحمت الله تعالی از بسیاری گناهان آنان در میگذرد اگر به هر يك جرم مواخذه میشد متنفسی در زمین باقی نمی ماند - حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد « این خطاب با افراد عاقل و بالغ است خواه گنهگار باشند یا نیک کردار - مگر انبیاء در آن شامل نیستند (و اطفال خورد هم مستثنی است) و اگر مصیبتی به پیغمبر میرسد آنرا علت دیگری خواهد بود (که مفسرین کرام آنرا عبارت از اجر کامل یا مصلحت الهی شمرده اند) این کلمه مصیبت سختی دنیا ، عذاب قبر و رنج آخرت همه را در بر میگیرد .

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ﴿۴۱﴾

و نیستید شما عاجز کنندگان خدا را (گریزندگان) در زمین

وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن دَلِيلٍ ﴿۴۲﴾

و نیست شمارا از خدا بی شمارا و هیچ الله هیچ کار سازی

وَلَا نَصِيرٌ ﴿۳۱﴾  
و نه مدد گاری

تفسیر : محض به فضل و مهربانی خود معاف میکند و رنه بجرمیکه خواهد سزا دهد مجرم نمیتواند فرار کند ، جایی پنهان شود و نه بدون خدا دیگر کسی به حمایت و امدادش رسیده میتواند .

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ  
و از نشانههای او کشتیهای روان است در دریا

كَأَنَّ لَهَا عُلَامٌ ط  
مانند کوها

تفسیر : کشتی های بزرگ بر سطح بحر مانند کوها بر سطح زمین به نظر می آید .

إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَنَ  
اگر خواهد ساکن گرداند باد را پس گردند تمام روز

رَ وَايَكِدْ عَلَى ظَهْرِهِ ط  
ایستادگان بر پشت دریا

تفسیر : بادهام بتصرف خداوند است اگر باد را از وزیدن باز دارد تمام جهاز های بادبانی روی دریا جابجا ایستاده شوند . الغرض آب و باد و هوا همه تحت فرمان اوست .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿۳۲﴾  
(هر آئینه) درین نشانههاست برای هر ثابت قدم (استوار) احسان شناس

تفسیر : از خواص سفر دریائی است که انسان بهر دو قسم حالات موافق و نا موافق دچار میگردد بنا بر آن بسیار ضروری است که آدم به حالات موافق شکر و به احوال ناموافق صبر کند و قدرت و نعمت الله تعالی را بشناسد .

أَوْ يُوْبِقُهُنَّ بِمَا كَسَبُوا أَوْ يَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾

یا (اگر خواهد) هلاک کند اهل کشتیها را به سبب آنچه کردند و درگذرد از بسیاری (گناهان)

تفسیر: اگر خدای توانا بخواهد مسافری کشتی هارا در پاداش بعضی اعمال شان تباہ کند و در آن آوان تباہی هم بعضی را معاف فرماید .

وَيَعْلَمُ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا

و تا بدانند و آنانکه مجادله میکنند در آیات ما

مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ ﴿٣٥﴾

که نیست ایشانرا هیچ جای گریز

تفسیر: ایشان به سببی دچار تباہی میکردند که مجازات بعضی اعمال آنها داده شود و نیز معارضین بزرگ بنگرند که «از گرفت خدای هیچ جای گریز و پناگاه نیست» حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد «کسانیکه حل هر عقده را از ناخن تدبیر خود میدانند در آنوقت، بسکلی در میمانند» ایشان از منتهای درماندگی تدبیری سنجیده نخواهند توانست .

فَمَا أَوْ تَيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ

پس آنچه داده شده شمارا چیزی پس آن اندک بهره ایست از زندگانی

الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ

دنیا و آنچه نزد الله است بهتر و پاینده تر است برای آنانکه

آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾

ایمان آورده اند و (خاص) بر پروردگار خود توکل میکنند

تفسیر: بعد از دانستن تمام این چیزها انسان باید برای حصول خوشنودی الله تعالی فکر کند و برین زندگی چند روزمه و عیش ناپایدار مغرور نشود و نیک بداند که عیش و راحتی که از حضرت پروردگار به ایمان داران داده میشود نسبت به عیش و آرام این دنیا بهتر و هم پاینده تر است نه در آن هیچ نوع کدورت واقع میشود و نه اندیشه فنا و زوال آن میرود .

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ

و برای آنانکه پرهیز میکنند از گناهان کبیره

وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿۳۷﴾

و بیحیائیها و چون بخشش می آیند ایشان درمیگذرند

تفسیر : بیان این موضوع را در سوره نساء تفسیر آیه «ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم» ملاحظه کنید درین موضوع از «کبائر الائم» شاید آن گناهان بزرگی مراد باشد که از غلط کاری قوه نظر بروز میکند مثلاً عقائد بدعیه - و فواحش عبارت از آن گناهانند که از بی اعتدالی قوه شهوانیه صادر میشود از «واذا ما غضبوا هم یغفرون» بکلی آشکار است که برای جلوگیری قوه غضبیه تاکید کرده شده والله اعلم.

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا

و برای آنانکه قبول کرده اند حکم پروردگار خود را و برپا داشتند

الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنِهِمْ

نماز را و کارایشان مشوره کردن است با هم

تفسیر : به مشوره همدیگر کار کردن خواه کار دینی باشد و یادنیوی پسند خداست نبی کریم (ص) در مهمات امور باصحابه رضی الله عنهم همیشه مشوره میفرمودند و صحابه (رض) بین خود مشوره میکردند راجع به جنگها و غیره و نیز در باب بعض مسائل و احکام بلکه بنیاد خلافت راشده فقط به شوری قائم بود این ظاهر است که ضرورت مشوره در کارهایی است که مهمت بالشان و در قرآن و سنت منصوص نباشد اما در چیزهای منصوص استشاره و رای دادن بکلی بی مورد است اگر در هر کار خورد و کلان مشوره بعمل آید هیچ کار اجرا شده نتواند از حدیث برمی آید که مشوره باید از شخص عاقل و عابد و متقی گرفته شود ورنه در ارحماقت یابی و قوفی مستشار اندیشه خرابی کار می باشد .

وَمَا رَزَقْنَهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۳۸﴾ وَالَّذِينَ

و از آنچه عطا کردیم بایشان خرج میکنند و برای آنانکه

إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿۳۹﴾

چون برسد بایشان حمله (تعدی) ایشان انتقام میکشند

تفسیر : یعنی در جائیکه عفو مناسب باشد معاف کند مثلاً چون از حرکت ناشائسته شخصی بقره شدند و قتیکه شخص مذکور پشیمان شده به عجز و قصور خود اعتراف کرد و ایشان معاف کردند این فعل محمود است و جائیکه انتقام مصلحت باشد مثلاً شخصی بدون سبب تعرض نماید و از زور و ظلم در فشار آوردن کوشش کند و یا از عدم مدافعه و جواب به حوصله و جرأت او افزایش و یا قطع نظر از حیثیت شخصی به توهین دین یا اهانت و تذلیل جمعیت مسلمین منجر شود درین چنین حالات به انتقام می پردازند مگر آن هم باندازه تجاوز و تعدی است یعنی بیش از جرم مجازات نمیدهد .

وَجَزَاءٌ سِئَئِةٍ سِئَئَةٌ مِثْلُهَا ج

و سزای بدی بدی است مانند آن

تفسیر : بدیء که بطور انتقام بعمل آید در حقیقت بدی نیست بلکه محض صورة بدی می باشد اطلاق - «سیئه» بر آن مشاکله کرده شده است .

فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ط

پس کسیکه عفو کند و صلح کند پس اجر او بر الله است

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿۴۰﴾

هر آئینه الله دوست ندارد ظالمان را

تفسیر : ظلم و عدوان در هیچ حالت به حضور الله تعالی پسندیده نیست بهترین خصلت همین است انسان از آن انتقامی که قادر به اجرای آن باشد در گذرد بشرطیکه ازین گذشت اصلاح متصور باشد .

وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ

(و هر آئینه) کسیکه انتقام کشد بعد از مظلوم شدن خود پس آن جماعه

مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ۝۴۱ ط

نیست برایشان هیچ راهی (برای ملامت او)

تفسیر: اگر مظلوم خواهد از ظالم انتقام بگیرد در آن هیچ الزام و گناه نیست هر چند معاف کردن افضل واحسن است.

إِنَّهَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ

جز این نیست که راه ملامت بر آنان است که ظلم میکنند بر مردمان

تفسیر: یعنی ابتداءً ظلم میکنند و در انتقام کشیدن از حد استحقاق تجاوز مینمایند.

وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ط

و فساد میکنند در زمین بناحق

أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝۴۲

آن گروه برایشان راست عذاب درد ناک والبتّه هر که صبر کند

وَعَفْرَانِ ذَٰلِكَ لَمِنَ عَزْمِ الْأُمُورِ ۝۴۳ ع

و در گذرد هر آئینه این (صبر و عفو) از امور همت است

تفسیر: خشم را فرو بردن و ایذاها را تحمل کرده ظالمان را معاف نمودن کاریست که بزرگتر از همت و حوصله میباشد. در حدیث است که بر بنده که ظلم شود و او محض لوجه الله از آن در گذرد خواه میخواه الله تعالی به عزت او میفزاید و او را مدد میکند.

وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَهِيَ لَهُ مِنْ وَّالِيٍّ

و هر کرا همراه کند الله پس نیست مراورا هیچ کارسازی

مَنْ بَعْدَهُ ط

بجز خدا

تفسیر: محض به توفیق الهی (ج) و دستگیری او انسان میتواند به عدل و انصاف و صبر و عفونائل شود اگر حضرت او کسی را بسوی این اخلاق کامله راه ندهد کیست که دست ما را گرفته از مغاک پستی و رسوائی و از هاند .

و تَرَى الظَّالِمِينَ لَهَا رَأً وَالْعَذَابَ

و می بینی ستمگاران (کافران) را چون بینند عذاب را

يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ ۗ

گویند آیا هست بسوی باز گشتن راهی

تفسیر: آیا راهی است که دوباره بدنیا باز گردانیده شویم تا درین مرتبه خوب نیکوکار شده از آنجا بر گردیم و حاضر شویم .

و تَرَاهُمْ يَعْزُضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعِينَ

و بینی ایشان را که پیش کرده شوند بر آتش فروتنان

مِنَ الذَّلِيلِ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ

از ذلت مینگرند از نگاه پوشیده

تفسیر: مانند مجرمین ترس خورده از خوف و ذلت و ندامت چشمهای خود را پایان انداخته می نگرند و به هیچکس درست دیده نمیتوانند .

وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ

و گویند اهل ایمان (هر آئینه) زیانکاران کامل همانند

خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

که در زیان انداختند نفسهای خود و اهل خود را در روز رستاخیز

تفسیر: این بدبختان خویشاوندان و اهل بیت خود را هم به همراه خود غرق نمودند و همه را به تباهی و بربادی انداختند .

الْآرِثَ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ ﴿٢٥﴾

آگاه باش بدستیکه کافران در عذاب دائمی اند

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُوهُمْ

و نباشد ایشانرا کار سازان (حامیان) که مدد کنند ایشانرا

مَنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يَضِلَّ اللَّهُ

بجز خدا و هر کرا همراه کند الله

فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٢٦﴾

پس نیست او را هیچ راه

تفسیر : یعنی نه در دنیا برای شان راه هدایت است و نه در آخرت راه نجات .

اِسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ

قبول کنید فرمان پروردگار خود را پیش از آنکه بیاید

يَوْمٍ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ ط

روزی که نیست بازگشت آنرا از خدا

تفسیر : یعنی چنانکه عذاب در دنیا مؤخر میگردد و باز داشته میشود در آخرت چنان نباشد .

مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ

نیست شمارا هیچ پناهماهی در آنروز و نیست شما

مِنْ تَكْبِيرٍ ﴿٤٧﴾

هیچ انکار

تفسیر : از انکار سودی بدست نیاید ، این کثیر (رج) چنین معنی کرده است که در آن روز نه شمارا پناهگاهی است و نه جائیست که خودرا در آن پنهان کنی و شناخته نشوی .

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ

پس اگر اعراض کنند (از قبول فرمان) پس نفرستادیم ترا برایشان

حَفِيظًا ۱۰ إِنَّ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاءُ ۱۰ ط

نگهبان نیست بر تو مگر رسانیدن احکام

تفسیر : تو مسئول باین نیستی که به زبردستی بالای آنها بقبولانی فرض تو این رسانیدن پیغام الهی (ج) است به ادای آن مشغول هستی اگر اینها قبول نمی کنند بجهنم میروند .

وَأِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً

و (هر آئینه) ما چون بچشانیم انسان را از جانب خود رحمتی (نعمتی)

فَرِحَ بِهَا ۱۰ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ مِمَّا قَدَّمَتْ

تکبر کند به آن و اگر برسد به آنها مصیبتی بسبب آنچه قبلا کرده است

أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ ﴿٤٨﴾

دستهای ایشان پس بتحقیق که انسان سخت ناسپاس است .

تفسیر : از اعراض آنها هیچ غمگین و دلگیر مشو چه طبیعت انسان چنان واقع شده است (الامن شاء الله) که چون خدا با او انعام و احسان فرماید به تکبر و تفاخر می پردازد - باز به مجردیکه از سبب کردار هایش به مصیبتی گرفتار آید تمام نعمت های سابقه را فراموش میکند و چنان ناسپاس میشود که گویا هیچوقت آسوده حالی زاننده است خلاصه اینست که خواه حالت فراخی و عیش باشد و یا تنگی و مصیبت برحد خود قائم نمی ماند - البته شیوه مؤمنین قانتین این است که درحین سختی صبر و درحالت فراخی شکر منعم حقیقی خودرا ادا میکنند و به هیچ حال انعامات و احسانات اوتعالی را فراموش نمی نمایند .

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُخْلُقُ

مرا لله راست پادشاهی و آسمانها و زمین می آفریند

مَا يَشَاءُ يُهَبُّ لِمَنْ يَشَاءُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَيَهَبُ

آنچه خواهد می بخشد کسی را که خواهد دختران و می بخشد

لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ ۖ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ

کسی را که خواهد پسران یا جفت دهد ایشانرا

ذُكْرًا نًا وَإِنَّا نَا وَ يَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ

پسران و دختران و میگرداند کسی را که خواهد

عَقِيمًا ۖ إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ۝

عقیم (نازای) (هر آئینه) اوست دانا بر هر چیز بسیار توانا

تفسیر : رنج باشد و یاراحت همه احوال از جانب خدا (ج) فرستاده شده در آسمانها و زمین فقط سلطنت او و تنها حکم او جاری است هر چیزی را که بخواند می دهد و بکسی که نخواهد نمیدهد حالات گوناگون دنیا را مطالعه کنید - بکسی هیچ اولاد داده نمی شود بعضی کسان تنها دختر دارد و بعضی اشخاص فقط پسر . بکسی دختر و پسر هر دو داده میشود توام باشند و یا جدا جدا - کسی درین باب نه مجال دعوی دارد و نه طاقت معارضه - فقط آن مالک حقیقی میداند که کدام شخص را به کدام حالت نگهداشتن مناسب است همان ذات تعالی بر وفق علم و حکمت خود تدبیر میکند هیچکس مجال ندارد که اراده او را باز دارد و یا برتخلیق و تقسیم او تنقید کند - کار عاقل اینست که در هر قسم حالات سرد و گرم بسوی همان ذات رجوع کند و هستی ناچیز خود را مد نظر داشته از تکبر یا کفران نعمت دست بردار باشد .

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا

و نیست طاقت برای هیچ بشری که سخن گوید با او خدا مگر به اشاره

أَوْ مِنْ وَرَائِي حِجَابٍ أَوْ يَرْسُلُ

یا از پس پرده یا بفرستد

رَسُولًا فَيُوحِي بِأَذْنِهِ مَا يَشَاءُ ط

رسولی را پس برساند بحکم او آنچه خدا خواهد

تفسیر : هیچ بشر به اعتبار ساختمان عنصری و قوای موجوده خود طاقت ندارد که خداوند قلوب درین دنیا باوی مشافهت اسخن گوید و او تحمل کرده بتواند . ازین سبب مکالمه او با بشر سه صورت دارد : (الف) بلا واسطه از پشت پرده سخن زند یعنی قوت سامعه نبی از استماع کلام لذت انلوزد مگر درین حالت چشمها از دولت دیدار متمتع شده نتواند چنانکه بحضرت موسی (ع) بر طور و به خاتم الانبیاء (ص) در «لیلة الاسراء» پیش آمده . (ب) الله تعالی بواسطه فرشته سخن میگوید مگر فرشته متجسد شده پیشروی چشم ظاهر نمیشود بلکه مستقیماً بر قلب نبی نزول میکند و فرشته و صوت آن محض به ذریعه قلب ادراک میشود و حواس ظاهره در آن چندان دخلی ندارد به خیال من این صورتی است که در حدیث عائشه صدیقه (رض) آنرا از «یا تینی فی مثل صلصلة الجرس» تعبیر فرموده است و در ابواب «بدء الخلق» صحیح بخاری برای اینگونه صورت وحی هم تصریح «آمدن ملک» موجود است همین کیفیت را در حدیث «وهو اشد علی» بیان فرمود و شاید وحی قرآنی اکثر آ در همین صورت می آید چنانکه در «نزل به الروح الامین علی قلبك» و «فانه نزله علی قلبك باذن الله» از لفظ «قلبك» اشاره میشود و چونکه این معامله بالکل به طور پوشیده باطنی بعمل می آید خارج از وجود پیغمبر هیچ هستی جداگانه به نظر نمیرسید و نه بطوری مکالمه میشد که شخصی با دیگری صحبت کند تا هم نشینان قریب نیز آن مطلب را میفهمیدند . لهذا این نوع را خصوصاً در این آیت به لفظ «وحیا» تعبیر فرمود زیرا که لفظ وحی در لغت بر اخفا و اشاره سریعه دلالت میکند (ج) صورت سوم اینست که فرشته متجسد شده پیش نبی بیاید و کلام و پیام خدا (ج) را طوری برساند که یک نفر به دیگری خطاب میکند چنانچه حضرت جبرئیل (ع) یک دو مرتبه در صورت اصلی خود پیش آن حضرت (ص) آمد و اکثر بار در صورت دحیه کلبی (رض) می آمد و گاهی به شکل آدم غیر معروف هم تشریف آورده است درین وقت چشم، فرشته را میدید و گوشها، آواز او را می شنید و جالسین نزدیک هم بعض اوقات مکالمه را می شنیدند و می فهمیدند از جمله دو صورتیکه در حدیث عائشه صدیقه بیان شده است این صورت دوم آنهاست و به خیال من همین صورت را درین آیت به «او یورسل رسولا فیوحی باذنه ما یشاء» تعبیر فرموده است «والله اعلم بالصواب» چون وحی صورت حجاب بکلی نادر و باطنی بود لهذا در حدیث عائشه (رض) به آن تعرضی نشده .

إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ ۝۵۱

با حکمت

به تحقیق که او است بر همه برتر

تفسیر: علو او تعالی مانع ازین است که بی حجابانه سخن گوید و حکمت تقاضا دارد که برای همکلامی بعضی صورت‌های اختیار گردد.

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا ۝

و همین و وحی فرستادیم بسوی تو روح (قرآن) را از حکم خود

تفسیر: مترجم محقق مولینا شیخ الہند (قدس اللہ روحہ) درین موقع از روح، فرشته مراد گرفته است - یعنی جبرئیل امین - و این رأی بعضی مفسرین است لیکن ظاهر این است که درین مقام خود قرآن کریم را بروح تعبیر فرموده زیرا که از تأثیر آن قلوب مردہ زنده و انسان به حیات ابدی نائل میشود - مشاهده کنید قوم‌هایی که بمرگت کفر و ظلم و بد اخلاقی مردہ بودند قرآن حکیم چطور در آنها حیات تازه دمید.

مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ ۝

نبودی تو که میدانستی که چیست کتاب و نمیدانستی که چیست ایمان

تفسیر: این تفصیل ایمان و اعمال ایمانیہ کہ اکنون به ذریعہ وحی معلوم شدہ پیشتر معلوم نبود اگر چه تو همیشه بہ نفس ایمان متصف بودی.

وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ ۝

و لیکن گردانیدیم آنرا روشنی کہ هدایت میکنیم بہ آن

مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا ۝

کسی را کہ خواهیم از بندگان خود

تفسیر: بندگانی را کہ بخواهیم بہ روشنی قرآن عظیم الشان براہ سعادت و فلاح می آریم.

وَأَنَّكَ لَتَهْدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝۵۲

و بہ تحقیق تو هدایت میکنی بسوی راه راست

تفسیر : توهمه بندگان را راه راست نشان میدهی که بذریعه قرآن کریم به الله برسند اگر کسی به آن راه برود یا نرود اختیار دارد .

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

راه خدا آنکه مراوراست آنچه در آسمانهاست

وَمَا فِي الْأَرْضِ ط

و آنچه در زمین است

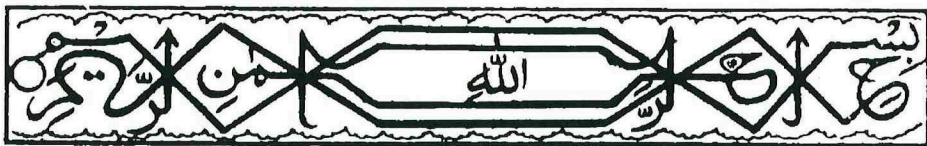
تفسیر : راه راست آنست که آدم بر آن روان شده بخدای واحد میرسد - کسیکه ازین راه منحرف شد از خدا (ج) جدا گشت .  
(کسانیکه زین راه برگشته اند \* برفتند بسیار و سر گشته اند)

أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ع

ع۵۴

آگاه باش خاص بسوی خدا باز میگردد همه امور  
تفسیر : چون سرانجام و نتیجه تمام کارها خاص بسوی اوست برانسان لازم است که از ابتداء این انجام را بسنجد و با اختیار و رغبت خود برای روان شود که مستقیماً آدم را به بارگاه او برساند (اللهم اهدنا الصراط المستقیم وثبتنا علیه) .  
(تمت سورة الشوری ولله الحمد)

(سورة الزخرف مکیه و تسع و ثمانون آیه و سبع رکوعات)  
(سورة الزخرف مکی و آن هشتاد و نه آیت و هفت رکوع است)



آغاز میکنم بنام خدا ای که بی اندازه مهربان نهایت با رحم است

حَمْدٌ ۱ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۲ إِنْ نَا جَعَلْنَاهُ

قسم است به کتاب واضح که (هر آئینه) ما گردانیدیم این کتاب را

قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۳ ج

قرآن عربی زبان تا شما بفهمید  
تفسیر : زیرا که عربی زبان مادری شماست و نیز ملت های دنیا بواسطه شما این کتاب را خواهند آموخت .

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَنَا

و بتحقیق این قرآن ثبت است در اصل کتاب (لوح محفوظ) نزد ما

لَعَلِّي حَكِيمٌ ط

برتر محکم با حکمت

تفسیر : از سببی که مشتمل بر وجوه اعجاز و اسرار عظیمه است نهایت بلند تر و از باعنی که از تبدیل و تحریف محفوظ است به منتها درجه محکم است - دلائل و براهین آن نهایت مضبوط و احکام آن غیر منسوخ است هیچ حکم آن خالی از حکمت نیست و تمام مضامین آن در باب اصلاح معاش و معاد مشتمل اعلی ترین هدایات و دارای محاسن و حکمت است و بر محاسن قرآن شهادت خود قرآن کافی است .

(آفتاب آمد دلیل آفتاب)

تنبیه : قرآن و جمیع کتب سماویه پیش از نزول در لوح محفوظ نوشته شده است .

أَفَنضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ كَرًا

آیا باز میگردانیم از شما این قرآن را

أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ۵

ازین سبب که هستید از حد و گزینده

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد «آیا ازین سببیکه شما قبول نمیکنید فرستادن حکم خود را موقوف خواهیم کرد؟ چنین امید مکنید - حکمت و رحمت خلهای تعالی مقتضی است که باوجود تجاوزات و شرارت های شما سلسله نزول کتاب و دعوت و نصیحت مسنود نشود زیرا که بسار و حهای سعید از آن مستفید میشوند و بر منکرین به طریق کامل اتمام حجت میشود .

وَ كَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ ۶

و بسیار فرستادیم پیغمبر در پیشینیان

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ  
و نیامد بایشان هیچ پیغمبری مگر بودند که باو

يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٧﴾

استهزاء میکردند

تفسیر : با پیغمبران سابق هم استهزاء کردند و تعلیمات ایشان را تکذیب نمودند لیکن سلسله پیغمبری از سبب استهزاء و تکذیب مردم مقطوع کرده نشد .

فَاهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَ مَضَى  
پس هلاک کردیم قوم سخت تر (پیشینیان) را از قریش از روی قوه و گذشته

مَثُكَ إِلَّا وَ لَيْنٌ ﴿٨﴾  
عجیب پیشینیان داستان

تفسیر : برای عبرت مردم مثالهای تباهی مکذبین که به وقوع پیوسته قبلاً مذکور شده است که ایشان در زور و قوت نسبت به شما به مراتب سخت تر و فایقتر بودند هنگامیکه آنها از مواخذه خدای تعالی نتوانستند برکنار شوند شما به کدام چیز مغرور میشوید - بعد ازین عظمت و قدرت و کمال تصرف ایزد متعال را ذکر میکند که تايك اندازه نزد ایشان هم مسلم بود .

وَ لَكِنَّ سَاءَ لْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ  
(و قسم است) اگر بررسی ایشان را که آفرید که آسمانها

وَ الْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٩﴾  
و زمین را (هر آئینه) گویند آفریده آنها را غالب داناتر

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا  
(از طرف خدا گفته میشود) وی آنست که گردانید برای شما زمین را فروش

وَجَعَلْ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠﴾

و گردانید برای شما در آن راها تا شما راه یابید (بسوی مقاصد)

تفسیر : یعنی تاجائیکه انسانها سکونت دارند آنها بتوانند با یکدیگر رابطه برپا دارند و بسوی یکدیگر راه یابند و سیروسیاحت نموده از مقاصد دنیوی و اخروی راه کامیابی را حاصل کنند .

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً يُقَدِّرُ

ووی آنست که فرود آورد از آسمان آب باندازه

تفسیر : یعنی به یک مقدار معین که بروفق حکمت او و در علم محیط او مقدر بود .

فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا ۚ كَذَلِكَ

پس زنده گردانیدیم به آن زمین مرده را همچین

نُخْرِجُونَ ﴿١١﴾

بر آورده میشوید (از قبرها)

تفسیر : چنانکه زمین مرده را بندریعه باران زنده و سبز و خرم میسازد در اجسام مرده شما هم روح دمیده از قبرها خواهد بر آورد .

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا

ووی آنست که بیافرید جفتها را همه

تفسیر : جفتهای هر چیزی که در دنیا است و هر قدر اقسام مخلوق و انواع متمائل و یا متقابل که موجود است همه را فقط خدا پیدا کرده است .

وَجَعَلْ لَكُمْ مِنْ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ

و ساخت برای شما از کشتیها و چهار پایان

مَا تَرَكَبُونَ ۗ لَتَسْتَوِا عَلَى ظُهُورِهِ

آنچه سوار میشوید تا برابر بنشینید بر پشت‌های آن

تفسیر: در خشکه بر پشت بعض چهارپایان و در دریا بر کشتیها سوار شوید.

ثُمَّ تَذَكَّرُونَ وَانْعَمَ رَبُّكُمْ إِذْ اسْتَوَيْتُمْ

باز یاد کنید احسان پروردگار خود را وقتیکه سوار شوید

عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا

بر آن و بگوئید پاک‌است آن ذاتیکه مسخر ساخت برای ما

هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ۗ

این را و نبودیم به آن توانا

تفسیر: وقتیکه بر چهار پایان و یا کشتیها سوار میشوید احسان‌خدا را بدل یاد کنید که «او تعالی‌مارا اینقدر قوی و هنرمند ساخته که به عقل و تدبیر و غیره این چیزها را مسخر و به تصرف خود بیاوریم، این محض فضل خداست ورنه ما اینقدر قوت و قدرت کجا داشتیم که چنین چیزها را مسخر می‌کردیم» با وجود یاد آوری قلبی باید در وقت سواری این کلمات را به زبان نیز بگوئید «سبحان‌الذی سخر لنا هذا و ما کناله مقرنین و انالی ربنا لمنقلبون» اذکار ادعیه دیگر هم در احادیث آمده است که در کتب حدیث و تفسیر مذکور است.

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ۗ

(و هر آئینه) ما بسوی پروردگار خود باز گردند گانیم

تفسیر: ازین سفر، سفر آخرت را بیاد آورید چون آنحضرت (ص) سوار می شدند همین تسبیح را می‌خواندند.

وَ جَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا ۗ

و مقرر کردند برای خدایتعالی از بندگانش جزء (اولاد)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ ط ا ع  
 بتحقیق آدمی بسیار ناسپاس آشکار است آیا گرفت خدا

هَمَّا يَخْلُقُ بِنْتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ ﴿١٦﴾  
 از مخلوقات خود دختران را و برگزیده است شمارا به پسران

تفسیر : بجای آنکه نعمت های خداوند را شناخته شکر میکرد به ناشکری صریح پرداخت و در جناب اوتعالی گستاخی آغاز نمود . چه گستاخی و نا شکری بزرگتر ازین خواهد بود که برای اوتعالی اولاد مقرر کرده شود آنها از بندگان و باز دختران باشند . حالانکه این سخن سه نقص دارد - یکی اینکه اولاد یک جزء و جود پدر خود می باشد از تجویز نمودن اولاد برای خداوند قدوس چنان معنی گرفته میشود که اوتعالی از اجزاء مرکب است و حادث بودن مرکب ضروری می باشد دوم اینکه بین ولد و والد باید مجانست باشد اگر هر دو از یک جنس نباشند در حق ولد و یا والد عیب است ولی در میان مخلوق و خالق تصور مجانست هم محال است سوم دختر به اعتبار قوای جسمیه و عقلیه عموماً نسبت به بچه ناقص تر و ضعیف تر می باشد - گویا قرار زعم انسان خدا برای خود اولادی (معاذالله) مقرر کرد که پست و ناقص باشد آیا شما نمی شرمید که حصه خود را چیز عمده و فوق تر و حصه خدا را چیز ناقص و پستتر معین میکنید ؟

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ

(و حال آنکه) چون مژده داده شود یکی از ایشان رابه (تولد) آنچه گردانیده برای رحمن

مَثَلًا ظَلًّا وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾

مانند گردد روی او سیاه و او پر غم باشد

تفسیر : یعنی اولاد اناث که برای خدا (ج) مقرر میکنند به فکر و زعم خودشان آنقدر معیوب ، ذلیل و حقیر است که اگر مژده تولد دختران بخود آنها داده شود از فرط رنج و غصه بکلی وضعیت شان منقلب میگردد و از اعماق دل بیچ و تاب میخورند - شرح کامل آن در رکوع آخری سوره «صافات» گذشته است .

أَوْ مَنْ يَنْشَأُ فِي الْجِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ

آیا آنکه پرورش داده میشود در زیور حال آنکه او در مخاصمه

## غَيْرِ مُبِينٍ ①۸

اظهار کننده حجت نباشد (لیاقت فرزندی خدا را دارد ؟)

تفسیر : آیا خدای تعالی برای اختیار نمودن اولاد دختر را پسند کرده است ؟ که طبعاً به آرائش و زیبایی نشوونما یافته و در شوق زیورات و غیره که دلیل بر ضعف رأی و عقل اوست مستغرق باشد - علاوه بر آن از سبب ضعف قوه فکریه خود در حین مباحثه قوت بیانیه هم ندارد چنانچه اگر در نطقهای زنها اندکی غور و دقت شود به مشاهده میرسد که نه دعوی خود را به دلایل شافی ثابت و نه دعوی دیگران را باطل ساخته میتوانند - سخن ناقص میگویند و یا سخنان بیپوده را که در مطلوب و مرام دخالتی ندارد در آن می آمیزند و باین سبب در تبیین مقصود خلل وارد میشود مباحثه را از سببی تخصیص دادیم که چون در آن احتیاج به بیان بیشتر می افتد عجز آنها بیشتر ظاهر میگردد - پس هر کلام طویل در ذیل همین حکم می آید و ادای جمله های معمولی مثلاً آمده بودم - رفته بود و غیره دلیل بر قوه بیانیه نیست .

## وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ

و مقرر کردند (مشرکان) فرشتگان را زنان آنانکه ایشان

## عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَّا تَأْتُ

بندگان رحمن اند

تفسیر : این يك دروغ دیگر آنهاست که فرشتگان را در صف زنان داخل می کنند حالانکه آنها نه ذکور هستند و نه انان بلکه جنس آنها بکلی علیحده است .

## أَشْهَدُ وَأَخْلَقَهُمْ ٭ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ

آیا حاضر بودند به آفرینش ایشان اکنون نوشته میشود گواهی ایشان

## وَيُسْأَلُونَ ①۹

و پرسیده میشوند

تفسیر : برین دعوی هیچ دلیل عقلی و نقلی ندارند آیا وقتیکه الله تعالی فرشتگان را می آفرید اینها مینگریستند که فرشتگان زن آفریده شده است - این گواهی آنها در دفتر اعمال آنها ثبت و در آخرت از ایشان پرسیده میشود که «شما چرا اینطور گفته بودید ؟ و از کدام مأخذ گفتید ؟»

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ ۗ

و گفتند (کافران) اگر میخواست رحمن پرستش نمیکردیم ایشانرا

تفسیر: باینهمه بنگرید که بر جوازواستحسان این گستاخی های مشرکانه خود يك دليل عقلي را هم پیش میکنند که «اگر خدا (ج) میخواست ما را بدون ذات خود از پرستش چیز های دیگر باز میداشت چون باین کارها پیهم مصروف بودیم و او ما را منع نکرد لهذا ثابت گردید که این کارها بهتر است و او می پسندد» .

مَالَهُمْ يَدٌ لِّكَ مِنْ عِلْمٍ إِنَّ هُمْ

نیست ایشانرا باین (گفته) هیچ علم نیستند ایشان

إِلَّا يَخْرُصُونَ ۗ

مگر تخمین میکنند (دروغ میگویند)

تفسیر: البته این سخنی است راست که بدون اراده و مشیت خدای تعالی هیچ چیز به عمل نمی آید لیکن ازین واقعه نمیتوان استنباط نمود که آن چیز درحق ما بندگان بهتر است - اگر چنین باشد در دنیا هیچکار و هیچ چیز بد نماند و تمام عالم محض خیر شود و تخم شر به کلی از بین برود مزید برآن هر آدم ظالم و خونخوار و دروغگو همین دلیل را اظهار خواهد کرد که «اگر خدا نمیخواست مرا به اجرای چنین ظلم وستم نمی گذاشت - چون مرا به ارتکاب آن واگذار شد لهذا واضح گردید که اوتعالی باین کار ما خوش و راضی است» لیکن باید دانست که در مشیت و رضاء از اصول علمی لزومی ثابت نمیشود محض به تاریکی افکندن است توضیح این موضوع پیش از نصف پاره (۸) در حواشی آیت ما قبل «سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا» گذشته .

أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ

آیا داده ایم ایشانرا کتابی پیش ازین پس ایشان به آن

مُسْتَسْكَونَ ۗ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا

چنگ و زندگان اند (نی) بلکه میگویند (هر آینه) ما یافتیم

اِبَاءَنَا عَلٰى اُمَّةٍ وَّ اِنَّا عَلٰى اٰثَارِهِمْ

پدران خود را بر راهی و (هر آئینه) ما بر نقش قدم ایشان

مُهْتَدُونَ ﴿۲۲﴾

راه یافتگانیم (روانیم)

تفسیر: این بود دلیل عقلی آنها که شنیدید قطع نظر از آن آیا کدام دلیل نقلی برای ثبوت دعوی خود دارند؟ یعنی آیا کدام کتاب نازل شده خدا را بدست دارند که در آن پسندیده بودن شرك نوشته باشد؟ ظاهر است که قطعاً چنین سند ندارند - بنا بران بدون تقلید کور کورانه پدران خود چیزی بدست شان نیست بزعم آنها قوی ترین دلیل این است که مشرکین هر عصر آنرا پیش میکرده اند این موضوع در آینده زیر بحث می آید.

وَكذٰلِكَ مَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ

و همچنین نفرستادیم پیش از تو در قریه

مِّنْ نَّذِيرٍ اِلَّا قَالُ مُتْرَفُوْهَا اِنَّا وَّجَدْنَا

هیچ ترساننده مگر گفتند متعلمان آن قریه که (هر آئینه) ما یافتیم

اِبَاءَنَا عَلٰى اُمَّةٍ وَّ اِنَّا عَلٰى اٰثَارِهِمْ

پدران خود را بر راهی و (هر آئینه) ما بر نقشهای قدم ایشان

مُهْتَدُونَ ﴿۲۳﴾ قُلْ اَوْ لَوْ جِئْتُمْ

اقتداکنندگانیم (روانیم) گفت (پیغمبر) آیا امرچه آورده ام به شما

بِاٰهُدٰى هِمَّا وَّ جَدُّكُمْ عَلَیْهِ اِبَاءَكُمْ ط

راهنما تر از آنچه یافته اید بر آن پدران خود را

تفسیر : پیغمبر فرمود کہ اگر از راہ پدران شما راہ بہتری بشما وانمود کنم آیا باز ہم بر همان راہ کهنہ رہسپار خواهید شد .

قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿۲۴﴾

گفتند (ہر آئینہ) ما بہ آنچه فرستادہ شدہ اید بہ آن کافر انیم

تفسیر : ہر چہ باشد سخن شما راقطعاً قبول کردہ نمیتوانیم و طریق قدیم آبائی را ترک دادہ نمیتوانیم ۔

فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

پس انتقام گرفتیم از ایشان پس ببین چگونه شد انجام

الْمُكَذِّبِينَ ﴿۲۵﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ

تکذیب کنندگان و (یاد کنید) چون گفت ابراهیم

النصف  
۱۳

لِأَيِّهِمْ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿۲۶﴾

پدر خود و قوم خود را (ہر آئینہ) من بیزارم از آنچه می پرستید

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿۲۷﴾

مگر (از) آنکہ آفریدہ مرا پس (ہر آئینہ) او ہدایت میکند مرا

تفسیر : خاص بہ آن خدای یگانہ علاقہ دارم کہ مرا پیدا کردہ و تا آخر مرا بہ منزل مقصود خواهد برد .

تنبیہ : این قصہ را در اینجا از سببی بیان کرد کہ ملتفت شوید کہ چون پیشوای مسلم شما راہ پدر خود را غلط دید و آنرا ترک داد شما ہم باید اورا تعقیب کنید ۔ و اگر بر تقلید آباء واجداد اصرار دارید راہ آن پدر خود را پیروی کنید کہ در دنیا بیرق حق و صدق را نصب کردہ و بہ اولاد خود وصیت فرمودہ کہ بعد از من ہم بدون خدای یگانہ هیچکس را پرستید ۔ کما قال تعالی «ووصی بہا ابراهیم بنیہ و یعقوب» (بقرہ رکوع ۱۶) .

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ

وگردانیدهمین (توحید) واسخن باقیمانده در اولادخود عقیبه تا ایشان

يُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾

رجوع کرده بروند

تفسیر: یعنی از یکدیگر بیان و دلایل توحید را شنیده بسوی راه حق دائم رجوع کرده باشند .

بَلْ مَتَّعْتُمُوهُمُ لَأِيَّاءِ آبَائِهِمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ

(چنین نکردند) بلکه بهره مند ساختیم ایشان و پدران ایشان را تا وقتیکه آمد بایشان

الْحَقِّ وَرَسُولٍ مُّبِينٍ ﴿٢٩﴾

دین راست و پیغمبری بیان کننده

تفسیر: افسوس که میراث ابراهیم (ع) را بدست نیاوردند و بر وصیت او نرفتند بلکه در لذات سامان دنیا که خدا (ج) به آنها داده بود گرفتار آمده از خدای قنوس بکلی غافل شدند تا آنکه حق تعالی برای بیدار ساختن شان از خواب غفلت آن پیغمبر خود را فرستاد که رسالت وی نهایت روشن و واضح است - او دین حق را رساند قرآن را به مردم تلاوت نمود و از احکام الهی بکمال وضاحت مردم را آگاه ساخت .

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ

و چون آمد بایشان دین راست گفتند این جادوست

وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٠﴾

(و) هر آئینه ما به آن کافرانیم

تفسیر: قرآن را جادو گفتند و از پذیرفتن سخنان پیغمبر ابا نمودند .

وَقَالُوا لَوْ لَوْ لَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ

و گفتند چرا نازل کرده نشد این قرآن

عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقُرَيْتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿٣١﴾

بر مردی کلان از یکی این دو قریه

تفسیر: اگر نزول قرآن ضروری میبود بآئستی بر يك سردار کلان مکه و یا طائف نازل می شد پس چسان باور کنیم که خدای تعالی سرداران با ثروت و بزرگ را گذاشت و شخصی را به منصب رسالت برگزید که باعتبار ریاست و دولت هیچ امتیازی ندارد .

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ ط

آیا ایشان قسمت میکنند رحمت پروردگارترا

تفسیر: آیا تقسیم منصب نبوت و رسالت با اختیار شما گذاشته شده است که انتخاب را مورد بحث قرار میدهید .

نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ

ما قسمت کرده ایم میان ایشان روزی ایشان را در زندگانی

الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ

دنیا و بلند کردیم بعضی ایشان را بر بعضی

ذَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا ط

از روی درجات تا بگرداند بعضی ایشان بعضی را تابع (سخن)

تفسیر: کسی را غنی و کسی را فقیر ساخت کسی را دولت بسیار و کسی را کم داد بعضی تابع و بعضی متبوع است .

وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾

و رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه جمع میکنند

تفسیر: یعنی شرف نبوت و رسالت از مال و جاه ظاهری و ثروت و تمول دنیوی به مراتب اعلی و افضل است چون الله تعالی روزی دنیائی را قرار تجویز آنها تقسیم نفرموده پیغمبری را قرار تجویز آنها چگونه تقسیم کند - بعد ازین حقارت و بی اهمیت بودن مال و دولت و سامان مادی دنیارا نزد الله بیان می کند .

وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً

و اگر نمی بود اینکه شوند مردمان يك گروه (متفق بدین واحد)

لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ

(هر آینه) میگردانیدیم برای آن مردمان که کافر شوند به رحمن مرخانهای ایشانرا

سُقْفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهَا

سقفها از نقره و نردبانها نیز که بر آن

يُظْهِرُونَ ﴿٣٣﴾ وَ لِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا

بالا روند و مرخانهای ایشانرا دروازه هانیز

وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ ﴿٣٤﴾ وَ زُخْرُفًا

وتختها که بران تکیه زده بنشینند و (از) طلا

تفسیر: یعنی این مال و دولت دنیوی نزد خدا (ج) هیچ قدر و اهمیت ندارد و نه اعطای آن دلیل است بر قرب و وجاهت عند الله بلکه این چنان يك چیز بیقدر و حقیرست که اگر يك مصلحت خاص مانع نمی بود الله تعالی سقفهای خانه های کافران - زینه ها دروازه ها و دهلیز های خانه های ایشان قفلها و تختها و چوکی ها و غیره همه را از نقره و طلا میکرد - مگر در آن صورت مردم از مشاهده اینکه فقط کافران به چنین مال

ومتاع ميرسند عموماً راه كفر را ميگرفتند (الاماشاءالله) واين خلاف مصلحت خداوندى بود بنابراین چنين نشد در حديث است كه اگر نزد الله تعالى قدر و ارزش دنيا برابر يك بال پشه هم مي بود به كافر يك جرعه آب هم نمي داد - پس چيزيكه نزد خدا اينقدر حقير باشد آنرا موقع سيادت و وجاهت عندالله و معيار نبوت و رسالت قرار دادن چگونه صحيح خواهد بود - حضرت شاه صاحب (روح) مينويسد «يعنى الله تعالى كافر را پيدا كرد بايد دريك موضع برايش عيش و آرام بدهد در آخرت برايش عذاب دائمي است - يك اندازه در دنيا عيش و استراحت باو داده شده هر گاه بدرجه كمال به آنها داده مي شد مردم راه كفر را اختيار مي كردند .»

وَإِنْ كُلُّ ذَاكَ لَهَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ط

و نيست اين همه مگر بهره مندى زندگاني دنيا

وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾

(و بهره مندى) آخرت نزد پروردگارتو براي متقيان است

تفسير : در عيش و نشاط دنيا همگان شريك اند مگر آخرت بانما وآلاى ابدى آن براي متقين مخصوص شده .

وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ

وهر كه كور سازد خود را از ياد رحمن بر ميگماريم

لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ﴿٣٦﴾

بر او شيطاني را پساو باشد براي او رفيق (دائمي)

تفسير : كسيكه از شنيدن نصيحت و ياد الهى اعراض مي كند بطور خصوصى يك شيطان برو مسلط كرده ميشود كه هر آن او را اغواء در دل وي وسوسه هاي گوناگون انداخته مي رود اين شيطان تارفتن بلويزخ رفاقت او را ترك نمي دهد .

وَإِنَّهُمْ لَيُصَدُّونَ عَنْ السَّبِيلِ

و (هر آئينه) ايشان (شياطين) باز مي دارند ايشانرا از راه حق

وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٣٧﴾

و می پندارند (غافلان) که ایشان راه یافتگانند .

تفسیر : آنها را شیاطین از راه نیکی باز میدارند مگر عقل این مردم چنان مسخ میگردد که ضلالت خود را راه راست پنداشته تمییز نیکی و بدی را بکلی از دست میدهند .

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ نَا قَالْ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ

تا آنکه چون بیاید پیش ما گوید (قرین خود را) ای کاش در میان من و در میان تو

بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ ﴿٣٨﴾

مسافت مشرق و مغرب بودی پس بد همنشین هستی تو

تفسیر : بحضور خدا (ج) رسیده برایش معلوم میشود که چقدر بد رفقاء بودند در آن وقت از فرط حسرت و خشم خواهد گفت ای کاش در میان من و تو فاصله مشرق و مغرب باشد و يك لمحہ هم در صحبت تو نمی گذشت - بد بخت برو گم شو اکنون پیش من میا - حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد «یعنی در دنیا مشوره شیطان را پیروی میکند مگر در آنجا از صحبت او اظهار پشیمانی خواهد کرد - رفیق شیطان بکسی جنی و بکسی انسی می باشد » .

وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ

(و خدای تعالی گوید) هرگز نفع ندهد شمارا امروز بسببی که ظلم کرده اید (در دنیا) اینک

فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٩﴾

در عذاب با هم شریک باشید

تفسیر : در دنیا قاعده است : مصیبتی که عمومی باشد اندک خفیف تر معلوم میشود چنانچه مشهور است «مرگ انبوه جشن یاران است» مگر در دوزخ اشتراك تمام شیاطین الانس و الجن و تابعین و متبوعین در عذاب هیچ فایده نخواهد داد - شدت عذاب آنقدر میباشد که بچنین سخنان سطحی هیچ تسلی و تخفیف نمیشود ، حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد «کافران خواهند گفت که آنها ما را مبتلای عذاب ساختند - خوب شد که خودشان هم از آن رهائی نیافتند لیکن از گرفتاری آنها به عذاب به اینها چه فائده میرسد » .

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْى وَمَنْ

(ای محمد) آیاتو شنوایده میتوانی کران را یا راهنمایی کرده میتوانی کوران را و آنرا

كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۴۰﴾ فَاِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ

که در گمراهی ظاهر است پس اگر ببریم ترا (قبل از نزول عذاب بایشان)

فَاِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴿۴۱﴾ اَوْ نُرِيَنَّكَ

پس (بتحقیق) ما از ایشان انتقام گیرند گانیم یا اگر بنمائیم ترا

الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَاِنَّا عَلَيْهِمْ مُّقْتَدِرُونَ ﴿۴۲﴾

آنچه وعده داده ایم ایشان را پس (هر آئینه) بایشان مقتدریم

فَاَسْتَسْكِنُ بِاِلٰذِيَّ اَوْ جِي اِلَيْكَ ج

پس چنگ زن به آنچه وحی فرستاده شد بسوی تو

اِنَّكَ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿۴۳﴾

هر آئینه تو بر راه راست هستی

تفسیر : کوران را راه حق نشان دادن یا بگوش کران صدای حق را رسانیدن و آنان را که در غلطی صریح و گمراهی سرگردان اند از تاریکی بر آورده بر جاده صاف راستی روان کردن در اختیار تو نیست بلکه در اختیار خدای تعالی است که اگر بخواهد در آواز تو تأثیر پیدا کند . بهر حال هیچ غم و اندوه مخور که این همه مردم چرا حق را قبول نمیکنند و سر انجام خود را چرا خراب میسازند معامله آنها را به خدا (ج) بسپار همان ذات سزای اعمال آنها را خواهد داد چه در حیات تو داده شود و چه بعد از وفات تو بر آنها عائد گردد - بهر صورت نه از گرفت ما برآمده میتوانند و نه آنها را بدون مجازات میگذاریم وظیفه تو اینست که بروحی و حکم الهی (ج) ثابت قدم باشی و پیهم وظیفه مفوضه خویش را ادامه بدهی زیرا دنیا بهر سو و بهر راهی که برود خودت به فضل و تأیید خدا به چنان راه راست هستی که برایت ضرورت نمی افتد که یک قدم هم از آن انحراف کنی و نه بتو حاجت است که به خواهش و آرزوی کدام هوا پرست التفات نمائی .

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَ لِقَوْمِكَ

(وهر آئینه) این (قرآن) یادگار (شرف) است ترا و قوم ترا

تفسیر : قرآن کریم برای تو و قوم تو سبب فضل و شرف مخصوص است . کدام عزت و خوشبختی بزرگتر ازین خواهد بود که کلام الله و دستور العمل ابدی نجات و فلاح کل دنیا به زبان آنها فرود آمد و آنها اولین مخاطبین آن قرار یافتند - اگر این مردم عقلمند باشند باید این نعمت عظمی را قدر کنند و هدایات قرآن را که برای همه آنها یک نصیحت نامه بیش بهاست دستور العمل خود ساخته و از همه اول تر مستحق سعادت های دنیوی و اخروی گردند .

وَسَوْفَ تَسْأَلُونَ

و آینده پرسیده میشوید

تفسیر : چون به دار آخرت برسند پرسش میشود که این نعمت عظمی را قدر دانسی کردند ؟ و این فضل و شرف را چه شکر کرده اند ؟

وَسَأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ

و پرس آنان را که فرستاده بودیم پیش از تو از

رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ

رسولان خود آیا مقرر کردیم بجز رحمن

الِهَةَ يُعْبَدُونَ

معبودان را که پرستیده شوند

تفسیر : راه تو همان راه انبیای سابق (علیهم السلام) است هیچ پیغمبری تعلیم شرک نداده و نه الله تعالی در کدام دین این چیز را روا داشته که بدون او تعالی پرستش دیگری کرده و از امر «پرس» مراد این است آنوقتیکه با انبیاء ملاقی شوی (چنانکه در شب معراج واقع شد) و یا احوال پیغمبران را از کتابها تحقیق کن - خلاصه از بکار بردن جمیع ذرایع تحقیق و تفتیش ثابت میشود که در هیچ دین سماوی گاهی اجازه شرک داده نشده .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ

(وهرآئینه) فرستادیم موسی را بانسانهای خود بسوی

فِرْعَوْنَ وَمَلَآئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ

فرعون و اشراف قوم او پس گفت (هرآئینه) من پیغمبر

رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۳﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا

پروردگار عالمیان پس چون آورد بایشان نشانهای ما را

إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿۴۴﴾

هماندم ایشان از آن میخندیدند

تفسیر : به معجزات استمهزاء کردند .

وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا

و نمی نمودیم بایشان هیچ نشانه مگروی بزرگتر بود از سابق مانند خود از یگدیگر خود

تفسیر : علامت قدرت خود و صداقت موسی (ع) را وانمود کرد که یکی از دیگری بلند تر بوده است .

وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۴۵﴾

و گرفتار کردیم ایشانرا بعقوبت تا که ایشان رجوع کنند

تفسیر : بالاخر آیاتی فرستاد که هر يك از آن متضمن عذابی بود چنانکه در سوره «اعراف» گذشته «فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجُرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْذَّمَ أَيْاتٍ مَفْصَلَاتٍ» (اعراف رکوع ۱۶) غرض این بود که بترسند و از حرکات نا شایسته باز آیند .

وَقَالُوا يَا أَيُّهُ السِّحْرُ

و گفتند ای جادوگر

تفسیر: «ساحر» در محاورات آنها به معنی «عالم» بوده زیرا که علم بزرگ نزد آنها همین سحر بود - شاید در هنگام تملق و لجاجت حضرت موسی را ظاهراً به لقب تعظیمی خوانده باشند و از خبث باطن بدینطرف هم اشاره کرده باشند که حالا ترا نبی نمیدانیم بلکه محض یک ساحر ماهر میفهمیم .

ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ ۚ

دعاء کن برای ما پروردگار خود را به آنچه عهد کرده است با تو

إِنَّا لَمُهْتَدُونَ ﴿۲۶﴾

هر آئینه ما راه یافتگانیم

تفسیر: بر وفق طریقه دعائیکه رب توبتو آموخته و چیزیکه با تو عهد کرده است در حق ما دعا کن تا این عذاب از سر ما رفع گردد - اگر از برکت دعای تو برداشته شدیقیناً براه می آئیم .

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ

پس چون دور کردیم از ایشان عذاب را همانوقت ایشان

يَنْكُثُونَ ﴿۵۰﴾

شکستند عهد را

تفسیر: بمجردیکه عقوبت رفع شد و قرین راحت شدند از قول و قرار خود برگشتند گویا هیچ وعده نکرده بودند .

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ

و ندا کرد فرعون در میان قوم خود گفت ای قوم من

أَلَيْسَ لِي مَلِكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ

آیا نیست برای من پادشاهی مصر در حالیکه این جویها

تَجْرِي مِنْ تَحْتِي ۚ أَفَلَا بُصِرُونَ ۝۵۱ ط

میرود زیر قصر من آیا نمی بینید

تفسیر: در آن عصر ممالک گرد و نواح مصر حاکم مصر را بسیار کلان میدانستند فرعون نهرها کشیده آب دریای نیل را بذریعۀ نهری به باغ خود آورده بود مطلب او این بود که باین همه سامان و شوکت و حشمت آیا حیثیت ما تقاضا دارد که مقابل آدم صاحب حیثیت معمولی چون موسی گردن خود را خم نمائیم.

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ ۝۵۲ لا

بلکه من بهترم ازین شخص که او بیعزت است

وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ۝۵۳

و نمیتواند که سخن بوضاحت گوید

تفسیر: موسی (ع) نه مال و نه دولت، نه عزت و حکومت و نه کدام کمال ظاهری دارد حتی سخن خود را کامل واضح کرده نمیتواند.

فَلَوْ لَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ ۝۵۴

پس چرا انداخته نشد بروی دستوارهها از طلا

أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِينَ ۝۵۵

یا (چرا) نیامد همراه او فرشتگان صف بستگان

تفسیر: گویند فرعون کرهای طلا می پوشید هر رئیس و وزیر را که مورد نوازش خود قرار میداد به او کرهای طلا می پوشانید و فوج بحضور او صف بسته ایستاده می شد - مطلبش ازین سخن این بود که «باشخصیکه ما او را عزت و احترام میدهیم چنین معامله میکنیم - پس کسی را که خدای تعالی بطور نائب خود بفرستد آیا در دست او کرهای طلا و در جلو او یک فوج فرشتگان هم نباشد؟»

فَأَسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ ۝۵۶ إِنَّهُمْ كَانُوا

پس خفیف العقل ساخت قوم خود را پس اطاعت کردند (گفته) او را هر آئینه ایشان بودند

# قَوْمًا فَسِيقِينَ ﴿۵۴﴾

نافرمان

قومی

تفسیر: از سخنان ابله فریب خود قوم خود را نادان ساخت چنانکه این بیخردان سخن او را پذیرفتند - اگر چه نافرمانی خدا از ابتدا در طبائع این مردم آمیخته بود لیکن برای غفلت مزید شان محض بهانه شد .

# فَلَمَّا اسْفُؤْنَا

پس چون به خشم آوردند ما را

تفسیر: یعنی کارهای کردند که بسبب آن عادتاً غضب خدا نازل میشود .

# انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۵۵﴾

همه

پس غرق ساختیم ایشانرا

از ایشان انتقام گرفتیم

# فَجَعَلْنَاهُمْ سُلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ ﴿۵۶﴾

پس ساختیم ایشانرا پیش گذشتگان و داستان عبرت برای آیندگان

تفسیر: قصه آنها برای نسلهای آینده ضرب المثل عبرتناکی گردید .

# وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذْ أَقْوَمُكَ مِنْهُ

و چون گردانیده شد پسر مریم مثل آنگاه قوم تو ازین مثل

# يَصِدُّونَ ﴿۵۷﴾ وَقَالُوا أءِالِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ

نعرهای خوشی زدند و گفتند آیا معبودان ما بهتراند یا او

تفسیر: چون تذکار حضرت مسیح (ع) در بین می آمد مشرکین عرب هیاهوئی برپا می کردند و صداهای گوناگون میکشیدند - در بعض روایات است که چون نبی کریم (ص) این آیت قرآن شریف را خواند «انکم وما تعبدون من دون الله حصب جهنم» (انبیاء رکوع ۷) اظهار کردند که نصاری حضرت مسیح (ع) را عبادت میکنند اکنون بگو که به خیال تو معبودان ما خوبترند و یا مسیح (ع) ؟ واضح است که مسیح را بهتر

میگوئی پس چون يك پیغمبر (معاذالله) در عموم آیت داخل شد در شامل شدن معبودان ما چه مضایقه است۔ در بعض روایات است که رسول کریم (ص) يك دفعه فرمود «لیس احد یعبد من دون الله فیہ خیر»۔ گفتند آیا در وجود مسیح هم خیر و نیکوئی نیست؟ عیان است که مطلب آیت و مرام الفاظ مذکور آنحضرت (ص) با چیز هائی تعلق داشت که مردم به پرستش آن می پردازند و حالانکه این معبودان نه این مردم را ازین کار باز میدارند و نه ایشان از آن اظهار بیزاری میکنند مدعای این معترضین محض برپا کردن معارضه و از اظهار دلائل بیپوده برباد دادن حق بود بنابراین دیده و دانسته چنین معانی را خاطر نشان میکردند که مراد آن مخالف متکلم باشد - گاهی میگفتند ما معلوم شده که تو میخواهی پرستش خود را از طرف ما بهمانطور بعمل آری که نصاری حضرت مسیح (ع) را می پرستیدند شاید گاهی باین اظهار هم میپرداختند که خود قرآن مثل حضرت مسیح را چنین بیان کرده است «ان مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه من تراب تم قال له کن فیکون» (آل عمران رکوع ۶) اکنون خودت انصاف بده که معبودان ما بهترند یا مسیح؟ او را چرا به نیکوئی یاد میکنی و معبودان ما را چرا بد میگوئی؟ خدا (ج) بهتر میدانند که دیگر چه هزلیات و خرافات میگفتند - جواب تمام این سخنان در آینده داده میشود .

مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدًّا لَّا بَلَّكُمُ هُمْ

نیاوردند این مثال را برای تو مگر برای مجادله بلکه ایشان

قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿۵۸﴾ إِنَّهُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا

قوم خصومت آلودند نیست ابن مریم مگر بنده که انعام کرده ایم

عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿۵۹﴾

بروی وقایع ساختیم او را حجت برای بنی اسرائیل

تفسیر : مخاصمة اینها باین مسئله تخصیص ندارد بلکه سرشت ایشان معارضه و مکابره طلب واقع شده است سخن راست و صاف گاهی به دماغهای آنها جانمیکبرد خواهی نخواهی بحثهای مهمل و مخاصمت های بیپوده را برپا میکنند . کجا آن شیاطین که عبادت خود را بالای مردم اجرا میکنند و بر آن خوش میشوند و یا آن بتهای بیجان سنگی که بازداشتن کسی از کفر و شرک قطعاً به اقتدار آنها نیست و کجا آن بنده مقبول خدا که خدای تعالی فضل خصوصی خود را بر عطا فرمود و برای هدایت بنی اسرائیل او را مأمور نمود . او بر بنده بودن خود اقرار داشت و امت خود را بسوی همین چیز دعوت میکرد که «ان الله هوربى وربكم فاعبوه هذا صراط مستقیم» آیا در شان اینگونه بنده مقبول میتوان «حصب جهنم» و یا «لیس فیہ خیر» را (العیاذ بالله) گفت و یا آیا این بتان سنگی میتوانند با او همسری کنند؟ بدانید که قرآن کریم هیچیک بنده را درجه خدائی نمیدهد - تمام جهاد آن فقط بر علیه همین مضمون شرک است - مزید بران این چیز را هم اجازه نمیدهد که اگر بیخردان کسی را معبود خود بسازند آن بنده مقرب و مقبول را مساوی سنگها و اشراز بسازد .

وَلَوْ نَشَاءُ لَجْعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً

و اگر خواهیم و البته بیافرینیم از شما فرشتگان را که

فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ ﴿٦٠﴾

در زمین خلافت کنند

تفسیر: در وجود عیسی (ع) مانند فرشتگان آثار موجود بود (چنانچه در فواید سوره مائده و آل عمران و کهف اشاره کرده شده) بداشتن اینقدر چیز هیچ شخص اهل بیت معبود شدن را ندارد - اگر بخواهیم از جنس خود شما چنین افراد را پیدا کنیم و یا عوض شما همین فرشتگان را بر زمین مسکون نمائیم - ما را هر نوع قدرت حاصل است.

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ

و (هر آینه) ابن مریم نشانه است برای قیامت

تفسیر: بعثت حضرت مسیح نخستین بار بالخاصه برای بنی اسرائیل نشانه بود که بدون پدر پیدا شد و معجزات عجیب و غریب نشان داد - و نزول مکرر او علامه قیامت است - از نزولش به مردم منکشف می شود که قیامت بکلی نزدیک است .

فَلَا تَمْتَرْنَ بِهَا وَاتَّبِعُونِ ط هَذَا صِرَاطٌ

پس شك نیارید در آمدن قیامت و پیروی کنید مرا این است راه

مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ ج

راست و باز ندارد شمارا شیطان

إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٢﴾

هر آینه او برای شما دشمنی است آشکارا

تفسیر: در قیام و آمدن قیامت هیچ شك میارید - به راه راست ایمان و توحید که به شما نشان میدهم روان شوید مبادا دشمن ازلی تان یعنی شیطان شمارا ازین راه باز دارد.

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِآيَاتِنَا قَالَ

و چون آمد عیسی با نشانه‌های واضح گفت

قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَاتٍ كَثِيرَةٍ

(بتحقیق) آورده ام به شما سخنان محکم

تفسیر: یعنی سخنان محکم از داناتی و حکمت.

وَلَا بَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ

و تاییدکنم برای شما بعض آنچه که اختلاف می‌کردید در آن

تفسیر: یعنی سخنان دینی و یا حلال بودن بعض چیزهای که شریعت موسویه آنرا حرام گردانیده بود بیان می‌کنم کما قال «و لاجل لكم بعض الذي حرم عليكم» (آل عمران رکوع ۵).

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۞٦٣ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي

پس بترسید از الله و اطاعت کنید مرا هر آئینه الله اوست پروردگار من

وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۞٦٤

و پروردگار شما پس بپرستید او را این است راه راست

تفسیر: این بود تعلیم حضرت مسیح (ع) - بنکرید بچه خوبی و صراحت ربوبیت و معبودیت خدای واحد را بیان فرموده و همین توحید باری تعالی و اتقاء و اطاعت رسول خدا را صراط مستقیم قرار داده است.

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ

پس از هم جدا شدند چندین گروه از بین ایشان

تفسیر: یعنی اختلاف پیدا شد - یهود از او انکار کردند و نصاری به وی ایمان آوردند سپس نصاری بمرور زمان به چندین فرقه تقسیم شدند - کسی حضرت مسیح را پسر خدا میخواند کسی او را یکی از جمله سه خدا میدانند و دیگری را عقیده جدا گانه است خلص هیچیکی به تعلیم اصلی حضرت مسیح روان نیست.

فَوَيْكَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ

پس وای برای آنانکه ظلم کردند از عذاب روز

أَلَيْسَ ۞ هَكَأَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ

دردناک آلیس ۶۵ هک انظار نمیکنند مگر قیامت را

أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۞

که بیاید بایشان ناگهان درحالی که ایشان بیخبر باشند ۶۶

تفسیر : مردمانیکه باوجود چنین بیانات باهره و هدایات واضحه ایمان نمی آورند چه چیز را انتظار دارند از مشاهده احوال شان میتوان گفت ایشان وقتی باور خواهند کرد که قیامت یکدم و ناگهان بر آنها قائم شود لیکن پذیرفتن آنوقت کاری نخواهد داد .

إِلَّا خِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ

دوستان در آنروز بعضی ایشان با بعضی

عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ۞

دشمن باشند مگر پرهیزگاران ۶۷

تفسیر : در آن روز دوستان از یکدیگر میگریزند تا از سبب بد کرداری یکی دیگری گرفتار نشود جمیع دوستی ها و محبتها منقطع میشود- انسان پشیمان میگردد که « با فلان آدم شریر چرا دوستی کرده بودم چه به تحریک او امروز گرفتار مصیبت شدم » . در آنوقت محب صمیمی هم از دیدن صورت محبوب خود بیزار میشود البته محبت و دوستی کسانیکه محض برای خدا بوده و مبنی بر خوف حضرت الهی (ج) باشد بکار خواهد آمد .

يُعْبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ

(که گفته میشود برای ایشان) ای بندگان من نیست هیچ ترس بر شما امروز

وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٩﴾

و نه اندوهگین میشوید

تفسیر : یعنی نه از آینده بیم دارند و نه از گذشته ایشان را غمی است .

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٧٠﴾

آن (بندگان ما) که ایمان آوردند به آیات ما و بودند فرمان بردار

تفسیر : بدل یقین کردند و از روی جوارح به فرمانبری الله تعالی پرداختند ازینجا فرق ایمان و اسلام ظاهر میشود چنانکه در حدیث جبرئیل مفصلاً بیان شده است .

أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ

در آید و شما و زنان شما

تُحَبَّرُونَ ﴿٧٠﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ

شاد گردانیده شده گردانیده شود بایشان کاسه های بردار

مِنْ ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ

طلائی و صراحی ها

تفسیر : یعنی غلمان آنرا گرفته میکردانند .

و فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ ﴿٧١﴾

و باشد در بهشت آنچه خواهش کند نفسها ولذت گیرد (از دیدن او) چشمها

تفسیر : اعلی ترین چیزیکه چشمها به دیدن آن آرام گردد عبارت از دیدار حضرت حق سبحانه و تعالی است که به فضل و مرحمت خود بماروزی فرماید .

وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٧١﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي

و شما در آنجا باشید جاوید و این آن بهشت است که

أَوْ رِثْتُمْوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧٦﴾ ج

(بمثل) میراث داده شد شمارا بسبب آنچه عمل میکردید

تفسیر : بنابر اعمال نیک شما و از فضل خدای تعالی میراث پدر شما آدم (ع) پس بشما داده شد .

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٧﴾ ج

شماراست در آن میوه بسیار که از آن میخوردید

تفسیر: یعنی به انتخاب و پسند خود.

إِنَّ الْمُبْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ ﴿٧٨﴾ ج

هر آئینه کافران در عذاب دوزخ جاویدند

خَالِدُونَ ﴿٧٩﴾ ج لَا يَفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ

سبک گردانیده نشود از ایشان عذاب و ایشان

فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٨٠﴾ ج

در آن عذاب نا امید میباشند (از نجات)

تفسیر : نه عذاب از ایشان به هیچ وقت بر طرف میشود و نه تخفیف می یابد بنابران دوزخیان بکلی نا امید میگردند که هیچ راه خروج ازینجا نمانده .

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٨١﴾ ج

و ما ستم نکردیم برایشان و لیکن بودند ایشان ستمگاران

تفسیر : ما جمیع صورتهای بدی و نیکی را در دنیا تعلیم داده بودیم و پیغمبران را فرستاده حجت خود را تمام کرده هیچ عنرمعقول برای ایشان باقی نگذاشته بودیم با این همه باور نکردند و از فضولیهای خود باز نیامدند پس اگر به چنین مردم سزا داده میشود چگونه میتوان آنرا ظلم خواند .

# وَنَادَوْا يٰمَلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ ط

و فریادکننده‌های مالک (خازن دوزخ) باید حکم مرگ کند بر ما رب تو

تفسیر : «مالک» نام فرشته‌ایست که خازن دوزخ می‌باشد دوزخیان باو فریاد خواهند آورد که نه بر ما مرگ وارد میشود و نه ازین عذاب خلاصی داریم به پروردگار خود عرض کن که یکبار عذاب داده مارا بکلی فنا نماید گویا چون از نجات مایوس میشوند مرگ را تمنا میکنند .

# قَالَ يٰمَلِكُ مَا كُنْتُمْ مَّا كُنْتُمْ ۗ

گوید مالک شما همیشه باشید گانید

تفسیر : فریاد کردن فائده ندارد شما را این حالت جاویدان است میگویند که دوزخیان تا هزار سال چنین فریاد میکنند پس از ختم هزار سال مالک بایشان چنان جواب خواهد داد .

# لَقَدْ جِئْتُمْ بِشِمَائِلِكُمْ بِالْحَقِّ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَكُمْ

هر آئینه آوردیم بشما (بتوسط پیغمبر) دین حق و لیکن اکثر شما

# لِلْحَقِّ كِرٰهُوْنَ ۗ

سخن راست را بد دانند گانید

تفسیر : این سزا را در مقابل این جرم یافتید که بیشتر شما از راستی بد بردید و بسیاری مردم مانند کوران بدنبال شما رفتند .

# اَمْ اَبْرٰمُؤَاۤءَا۟ اَمْ رٰفَا۟ءَا۟ مَبْرُؤُوۡنَ ۗ

آیا محکم کرده‌اند (برخلاف پیغمبر) کاری را پس (هر آئینه) ما محکم کنند گانیم (تدبیر خود را)

تفسیر : کفار عرب مقابل پیغمبر نصب العین های گوناگونی قایم کرده و تدابیری میسنجیدند مگر تدبیر خفیه و قاطع الله تعالی تدبیر و منصوبه های آنها را بر باد میداد حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد که «کافران دریکجا جمع شده مشوره کردند که تنها از تغافل ما تبلیغات این نبی پیشرفت نموده است پس در آینده هر کسیکه باین دین داخل شود خویشاوندانش او را سرزنش و عقاب کنند و ازین راه بگردانند - و به شخص اجنبی که در شهر درآید قبلاً بگوئید که باین نبی نشست و برخاست ننماید» آنها این تجویز را قرار دادند و حضرت خداوند عزوجل به تذلیل و رسوائی آنها عزم گرفت و به بلند بردن دین و پیغمبر خود اراده فرمود - بالاخر اراده و مشیت الهی غالب گردید .

أَمْ يَحْسُبُونَ أَنَّا لَنَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ

آیا می پندارند که ما نمی شنویم اسرار ایشان و مشوره ایشانرا

بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿۸۵﴾

بلکه (میشنویم) و فرستادگان ما نزد ایشان مصروف نوشتن اند

تفسیر : راز های دل آنها را ما میدانیم و مشوره های تنهایی شانرا نیز می شنویم و بر وفق ضابطه انتظامی حکومت فرشتگان ما (گواها کاتبین) همه اعمال و افعال آنها را ثبت کرده میروند و تمام این طومار افعال ایشان بروز رستاخیز بحضور حضرت ما تقدیم می گردد.

قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَكَدُّ

بگو اگر باشد برای خداوند فرزند

فَأَنَا أَوْلُ الْعَبِيدِ إِنَّ ﴿۸۶﴾

پس من اول پرستندگانم

تفسیر : کدام ظلمی بزرگتر ازین خواهد بود که برای حضرت الهی (ج) پسران و دختران قبول کنند بایشان بگو که اگر بفرض محال خدا اولاد داشته باشد من اولین شخصی هستم که اولاد او تعالی را بپرستم زیرا درد نیایش از همه به عبادت حضرت او مشغولم و هر کسی را هر آنقدر علاقه که با خدا (ج) باشد باید بهمان نسبت با اولاد وی هم باشد - پس با وجودیکه من اول العابدین هستم هیچیک هستی را اولاد او قبول نمیکنم شما تاکنون کدام حق خدای تعالی را قبول میکنید که حقوق اولاد فرضی او را خواهید شناخت .

تنبیه : بعض مفسرین مطلب آیت را چنین گرفته اند که اگر به اعتقاد شما خدا (ج) اولادی دارد بگوش هوش بشنوید که من در مقابل شما فقط آن خدای یگانه را عبادت کننده ام که از اولاد و احفاد منزه و مقدس می باشد - بعض معنی عابد را گفتا جاحد (منکر) و نمود کرده است یعنی من اولین انکار کننده و رد کننده این عقیده فاسد هستم نزد بعض «ان» نافیه می باشد یعنی رحمان هیچ اولاد ندارد مگر این توجیه چندان قوی نیست دیگر احتمالات هم است لیکن درین مختصر گنجایش استیعاب آن نیست - والله تعالی اعلم .

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

پاک است پروردگار آسمانها و زمین

رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٣﴾

خداوند عرش از آنچه بیان می کنند

تفسیر : سخنانی را که این مردم بسوی اوتعالی نسبت میکنند مانند اولاد و غیره ذات باری تعالی از آن برتر و منزّه است به نسبت ذات اقدس او چنین سخن را امکانی نیست که معاذالله اوتعالی پدر و پاپسر کسی شود .

فَذَرُهُمْ يَخْوَضُونَ بِيحْوَاهُمْ أَوْ يَعْبُوْا حَتَّىٰ يَلْقُوا

پس بگذار ایشانرا که بیهوده گوئی کنند و بازی کنند تا آنکه برسند به آن

يَوْمَ مَهْمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿١٤﴾

روز خود که وعده داده شده است

تفسیر : در نشئه غفلت و حماقت هر چه یاوه گوئی میکنند آنها را بحال شان بگذار تا این مردم چند روز دیگر در لهو و لعب دنیا حیات خود را بگذرانند بالاخر آن روز موعود آمدنی است در آن روز يك يك پاداش گستاخی ها و شرارت های خویش را خواهند دید .

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ

و اوست آنکه در آسمان فرمانرواست و در زمین

إِلَهٌُ ط وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿١٥﴾

معبود (و فرمان فرما) و اوست با حکمت دانای

تفسیر : نه در آسمان فرشتگان و شمس و قمر اهلیت معبودیت را دارند و نه در زمین اصنام و اوتان و غیره . پس معبود جمیع ساکنان زمین و آسمان تنها همان خدای یگانه است که از فرش تا عرش مالک همه اوست و در تمام عالم کون به علم و اختیار خود متصرف است .

وَتَبَرَّكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

و بسیار بابرکت است آنکه او راست پادشاهی آسمانها و زمین

وَمَا بَيْنَهُمَا<sup>ج</sup> وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ<sup>ج</sup>

و آنچه در میان هر دو است      و تنها نزد او ست علم      (قیامت) قیامت

تفسیر : یعنی قیامت کی می آید ؟ علم آن فقط پیش همان مالک است .

وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ<sup>١٥</sup>

و بسوی او      بازگردانیده میشوید

تفسیر : در آنجا نیکی و بدی همه مخلوق حساب میشود .

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ

و اختیار ندارند      آنانکه      پوستش می کنند (کفار آنرا)      بجز خدا

الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِأَحْقِ

شفاعت را      مگر      کسی که گواهی داده باشد (بزبان)      بحق

وَهُمْ يَعْلَمُونَ<sup>١٦</sup>

در حالیکه ایشان      بدل میدانند آنرا

تفسیر : تنها در باب همان شخص اختیار شفاعت دارند که او بروفق معلومات آنها کلمه اسلام گفته بود بدون گواهی بر کلمه اسلام يك حرف شفاعت در حق کسی گفته نمیتوانند - تنها آن صالحین اینقدر شفاعت کرده میتوانند که حق را میدانند و آنرا از زبان ودل قبول دارند دیگران هیچ اجازه ندارند .

وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ

(و قسم است) اگر      بررسی از ایشان که      که      آفریندایشانرا

لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ<sup>١٧</sup>

هر آئینه گویند (آفریده است) الله      پس از کجا      برگردانیده میشوند

تفسیر : چون آفریننده تمام عالم تنهاخدای یگانه است پس دیگری چسان مستحق بندگی تواند شد . چون عبادت ، نام تذل انتہائی است پس باید این حق عبادت برای ذاتی باشد که عظمت انتہائی راداراست-عجب چیز است که این مردم مقدمات را تسلیم میکنند و از نتیجه انکار دارند .

وَقِيلَ لَهُ يَرْبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ

(و قسم است) باین گفته پیغمبرای پروردگار من (هر آئینه) این مردمان قومی است که

لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۸۸﴾

(وقف لازم)

ایمان نمی آرند  
تفسیر : این گفته نبی را هم خوب میدانند و الله تعالی به این التجای مخلصانه و آواز پردرد و سوزدل او قسم میخورد که او تعالی حتماً باو مدد خواهد کرد و برحمت خود او را غالب و منصور میگرداند .

فَا صَفَحَ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ

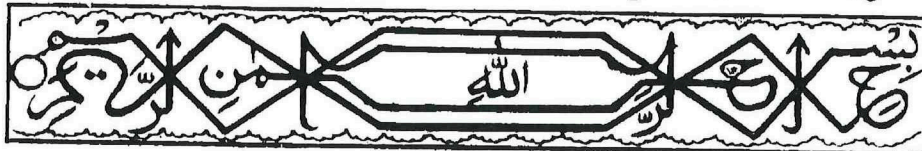
پس اعراض کن از ایشان و بگو سلام  
تفسیر : هیچ غم مخور و درباره ایشان بیشتر رنج و زحمت مکش ! وظیفه تبلیغ را ادا کن و از آنها رو بگردان و بگو که اگر قبول نمیکنید بر شما سلام باد .

فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿۸۹﴾

۷  
ع

پس در آخر میدانند  
تفسیر : بالآخر به ایشان معلوم میشود که چسان دچار غلطی شده بودند اگر از آنجمله به حقیقت چیزی در دنیا پی بردند در آخرت کاملاً آگاه خواهند شد .  
(تمت سورة الزخرف بعون الله وتوفيقه فله الحمد والمنة)

(سورة الدخان مکیة وهی تسع وخمسون آية و ثلث ركوعات)  
( سورة الدخان مکی است و آن پنجاه و نه آیت و سه رکوع است )



آغاز میکنم بنام خدا سیکری اندازه مهربان نهایت با رحم است

حَمِّ ① وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ② إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ

قسم بکتاب واضح (که هر آئینه) ما نازل کردیم آنرا

# فِي لَيْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ

در شب مبارک  
تفسیر: «شب مبارک» عبارت از شب «قدر» است کما قال تعالی «انا انزلناه فی لیلۃ القدر» (قدر - رکوع ۱) که در رمضان است لقوله تعالی «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن» (بقره رکوع ۲۳) قرآن کریم درین شب از لوح محفوظ به آسمان دنیا فرو فرستاده شد، سپس در ظرف بیست و سه سال بر پیغمبر نازل گردید - ابتدای نزول آن بر پیغمبر نیز در همین شب بوده است.

## إِنَّا كُنَّا مِنْدِرِينَ ﴿۳﴾

(بتحقیق) ما هستیم ترساننده

تفسیر: اعلام حقایق همیشه دستور ما بوده است بر وفق همین دستور انذار، این قرآن را نازل فرمودیم.

## فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿۴﴾

در آن (شب) جدا کرده میشود هر کار با حکمت و محکم

## أَمْراً مِّنْ عِنْدِنَا ط

بطور حکم از نزد ما

تفسیر: فیصله های حکیمانه و غیر ممنوع قضاء و قدر برای مدت یکسال در همین شب عظیم الشان از لوح محفوظ نقل و به آن فرشتگانی سپرده میشود که به شعبه های نکوینیات مامور و موظف اند - از بعضی روایات معلوم میگردد که آن عبارت از شب پانزدهم شعبان است که «شب براءة» گفته میشود - امکان دارد که این کار از آن شروع و به شب قدر منتهی گردد والله اعلم.

## إِنَّا كُنَّا مُرْسَلِينَ ﴿۵﴾

(هر آینه) ما هستیم فرستنده

تفسیر: فرشتگان را بکاری میفرستیم که مناسب آنها باشد چنانچه بذریعه جبرئیل قرآن را به محمد مصطفی (ص) فرستادیم.

رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ⑥

از روی رحمت از نزد پروردگارتو (بدرستی که) اوست شنوا دانا

تفسیر: یعنی به احوال تمام کائنات باخبر است و فریاد آنها را می شنود بنابراین در عین وقت ضرورت قرآن را به حضرت خاتم النبیین (ص) نازل فرمود و او را برای عالم به منزله رحمت کبری فرستاد.

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا (وقف لازم)

(رحمت) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست

إِنْ كُنْتُمْ مُّؤَقِنِينَ ⑦

اگر هستید شما یقین کنندگان

تفسیر: اگر شما صلاحیت باور نمودن چیزی را دارید اولین چیزیکه قابل باور کردن است ربوبیت عامه خدای تعالی میباشد که آثار آن در هر ذره از ذرات کائنات از آفتاب هم روشنتر است.

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ

نیست هیچ معبود مگر او زنده میگرداند و میمیراند (اوست) پروردگار شما

وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ⑧

و پروردگار پدران نخستین شما

تفسیر: یعنی در دست کسیکه میرانیدن و زنده کردن و زمام وجود و عدم باشد و اینکه تمام اولین و آخرین تحت تربیت او باشند آیا بدون او تعالی میتوان بندگی دیگری را جانش قرار داد؟ درین حقیقت بارز و روشن قطعاً گنجایش شك و شبهه نیست.

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ⑨

(یقین نمیکنند) بلکه ایشان در شبهه اند بازی کنان

تفسیر : اقتضای این آیات بینات و دلایل قاطعه این بود که این مردم آنرا می پذیرفتند مگر باز هم باور نداشتند بلکه آنها از توحید و غیره عقائد حقه در شك افتاده و در لهو و لعب دنیا مصروف اند آنها فکر آخرت ندارند که حق را طلب کنند و در آن از غور و فکر کار بگیرند آنها درین فریب افتاده اند که همیشه بدینسان زیست خواهند کرد و بحضور خدا گاهی حاضر نخواهند شد بدین سبب سخنان نصیحت را به ریشخندی مقابله میکنند .

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ۱۰

پس منتظر باش (به آنها) روزی را که بیارد آسمان دودی ظاهر

يَغْشَى النَّاسَ ۗ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۱

که فروگیرد مردمان را (در آنوقت گویند) اینست عذاب دردناک

تفسیر : از «دود» درین موقع چه مراد است ؟ سلف در باره آن دو قول دارند : ابن عباس (رض) و غیره میگویند که در قریب قیامت دودی خواهد برخاست که تمام مردم را فرا میگیرد به آدم نیک تاثیر خفیف میکند که در اثر آن زکام خفیف با و لاحق میشود چون در دماغ کافر و منافق در آید آنها را بیموش میکند . درین موقع همین دود مراد است شاید این دود همان ماده اولی سماوات باشد که در «ثم استوی الی السماء وهی دخان» تذکار یافته است - گویا آسمانها تحلیل شده بسوی حالت اولی خود عود میکنند و این ابتدای آن خواهد بود - والله تعالی اعلم - اما ابن مسعود به کمال حدت و تاکید دعوی میکند که ازین آیت آن دود مراد نیست که از جمله علامات قیامت است بلکه نبی کریم (صلعم) از ترمذ و طغیان قریش به تنگ آمده دعا کرده بود که بر اینها هم قحط هفت ساله را مسلط فرماید چنانکه در عصر یوسف (ع) بر مصریان مسلط شده بود - چنانچه قحط به وقوع پیوست و نوبت باینجا رسید که اهالی بخوردن مردار ، چرم و استخوانها مجبور شدند غالباً در همین آوان ثمامه ابن اثال (رح) رئیس «یمامه» باسلام مشرف شده ارسال غله را از وطن خود به مکه منع کرد - الغرض اهل مکه از گرسنگی فوق العاده به جان رسیدند قاعده است که در زمانه گرسنگی شدید و خشک سالی مسلسل جو یعنی خلای بین آسمان و زمین مانند دود به نظر می آید و نیز اگر تا مدت دراز باران نبارد گرد و غبار و غیره فضا را فرا گرفته همچو دود در آسمان معلوم می شود این کیفیت را در اینجا به «دخان» تعبیر کرد - نظر باین تقریر از مردم مذکور «یغشی الناس» اهالی مکه مراد خواهند بود - گویا این يك پیشگوئی بود که بفحواى «فارتقب» پوره شد .

رَبَّنَا كَشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ۱۲

ای پروردگارا بردار از ما عذاب را (هر آئینه) ما ایمان می آریم

تفسیر : بواسطه ابتلاء درین عذاب می گویند که «خدایا ! اکنون مارا ازین آفت نجات بده درآینده توبه میکنیم زیرا حالایقین کامل حاصل شده - باردیگر به شرارت اقدام نمیکنیم بطور مسلمانان راسخ زیست خواهیم نمود» درآیت مابعد جواب داده میشود.

أَنْتِ لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ

چگونه نصیب آنها شود پند حالانکه به تحقیق آمده بایشان

رَسُولٌ مِّنْ بَيْنِ ۙ أَتَمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا

رسول ظاهر باز روی گردانیدند ازوی و گفتند

مُعَلِّمٌ مِّمَّنْ مَّجْنُونٌ ﴿۱۳﴾

اورا تعلیم داده شده است دیوانه است

(وقف لازم)

تفسیر : اکنون موقع فهمیدن و فرصت استفاده از نصیحت برای آنها قطعاً نمانده چه وقتیکه پیغمبر ما با علامات واضحه وهدایات نافع و آشکار پیش آنها آمد قبول نکردند - درآن هنگام میگفتند که «این شخص دیوانه است» گاهی میگفتند که «از دیگری یاد گرفته این کتاب را تدوین کرده است» - (مطلب مذکور قرار تفسیر ابن عباس است) - اما مطابق تفسیر ابن مسعود چنین معنی میشود : اهل مکه از قحط به تنگ آمده درخواست کردند که «این عذاب را از سرما دور کن» در بعض روایات است که ابوسفیان و غیره به خدمت آنحضرت (ص) فریاد آوردند که «میگوئی که من رحمت هستم حالانکه قوم خودت از دست قحط و خشکسالی به کنار تباهی رسیده است - رحمت و قرابت را بتو واسطه می آریم که برای رفع این مصیبت دعاء کن اگر مصیبت از ما بر طرف شد ما ایمان خواهیم آورد» چنانچه از برکت دعای آنحضرت (ص) باران شد و غله را هم که تمامه منع کرده بود بر روی آنها باز فرود اما باز هم ایمان نیاوردند از «انی لهم الذکری» همین مطلب است یعنی این مردم این سخنان را کجا قبول میکنند بلکه در همچو چیزها هزارها تاویلات مینمایند چون چیزی را که بکلی آشکارا و هویدا و روشن تر از آفتاب بود یعنی رسالت آنحضرت قبول نکردند کسی اورا مجنون وانمود کرد و کسی اظهار نمود که «از (عداس) نام غلام رومی چند مضمون آموخته آنرا در عبارت خود بیان میکند» لہذا از چنین معاندین متعصب چه توقع فهمیدن میتوان کرد .

إِنَّا كَا شَفُوا الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ

هر آینه ما دورکننده عذابیم اندک مدتی به تحقیق شما

# عَاِذُونَ ۱۵

عود کننده اید (به عزم کفر)

تفسیر : اگر برای اندک مدت عذاب را از بالای آنها برداریم بدستور سابق همان حرکات را ارتکاب خواهند کرد - اما بروفق تفسیر ابن مسعود چنین مطلب خواهد بود که «اینک برای مدت قلیل این عذاب را از بالای آنها دور میکنیم مگر خواهید دید کارهائی که پیشتر میکردند باز خواهند کرد .»

يَوْمَ نَبُطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى ج  
 در روزیکه بگیریم به گرفتن بزرگ

# إِنَّا مُنْتَقِمُونَ ۱۶

به تحقیق ما انتقام گیرنده ایم

تفسیر : نزد ابن عباس (رض) «گرفتن بزرگ» درموقع قیامت بعمل می آید مقصد این است که از عذاب آخرت خلاصی نیست اما نزد ابن مسعود از «گرفتن بزرگ» معرکه بدر مراد است چنانچه در بدر ازین مردم انتقام گرفته شد .

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ

وهر آئینه ما آزمایش کرده بودیم پیش از ایشان قوم فرعون را

وَ جَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ۱۷

و آمده بود به ایشان رسول گرامی قدر

تفسیر : بذریعه بعثت حضرت موسی (ع) فرعونیان مورد امتحان قراردادده شدند که پیغام الله تعالی را قبول میکنند یا نه ؟

أَنْ أَدَّوْا إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ ط

باین که تسلیم کنید بمن بندگان خدایا

تفسیر : یعنی بندگان خدا را بندگان خود مسازید بنی اسرائیل را از غلامی آزاد کنید و بمن بسپارید تا هر جائیکه بخواهم آنها را ببرم .

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝ وَأَنْ لَا تَعْلُوا

(هر آئینه) من برای شما رسول و امانت دارم سرکشی نکنید

عَلَى اللَّهِ إِنِّي أَسْأَلُكُمْ بِسُلْطَنِ مَبِينٍ ۝

برای آنکه (یعنی به وحی او و رسول او) (هر آئینه) من آورنده ام بشما حجت ظاهر را

تفسیر: حجت آشکار عبارت از معجزاتی بود که حضرت موسی نشان داد چون «عصا» و «ید بیضاء» و غیره.

وَإِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ

و (هر آئینه) من پناه گرفتم به پروردگار خود و پروردگارشما

أَنْ تَرْجُمُونِ ۝

ازینکه سنگسار کنید مرا

تفسیر: این جوابی است مقابل تهدیدات آنها یعنی من از ظلم و ایذای شما بخدا (ج) پناه برده ام پس او تعالی حامی و مددگار من است و به حفاظت او اعتماد کامل دارم.

وَإِنْ لَمْ تَأْتُوا إِلَيَّ فَأَعِزُّ لَوْمِي ۝

و اگر ایمان نمی آید بمن پس یکسو شوید از من

تفسیر: اگر سخنانم را نمی پذیرید اقل از ایذای من جرائم خود را سنگین تر مسازید (مرا بخیر تو امید نیست شرمسازان) و حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد که «من قوم خود را می برم باید شما در راه من حائل نشوید».

فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هُوَ لَأَيُّ قَوْمٍ مُجْرِمُونَ ۝

پس دعاء کرد به پروردگار خود که این جماعه قوم کافراند

فَأَسْرِ بِعَبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ ﴿۳۶﴾

پس (گفتیم) بپر بندگان مرا هنگام شب (هر آئینه) شما تعاقب کرده میشوید

تفسیر: بالآخر ناچار گشته بحضور خداوند فریاد آورد که «این مردم از جنایات خود باز نمی آیند تو بین من و ایشان فیصله قطعی بفرما» - همان بود که به حضرت موسی حکم صادر شد که بدون اطلاع فرعونیان درحین شب بنی اسرائیل را از مصر برآر زیرا چون روز شود آنها مطلع شده شمارا تعقیب خواهند کرد لیکن بدانید در راه شما بحر می آید بمجردیکه عصارا بر آن زدی آب از یکسو بدیگر سوشده و در میان آن راه خشک و صاف پیدا میشود قوم خود را از همان راه عبور بده .

وَأَتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ ﴿۳۷﴾

و بگذار و دریارا آرمیده هر آئینه ایشان لشکر غرق شدگانند

تفسیر: در این اندیشه مکن که مبادا راهیکه بقدرت الله تعالی در بحر پدید آمده بحال خود باقی بماند و فرعونیان هم از آن بگذرند آنرا به همان حالت بگذار زیرا که چون لشکر فرعون این راه را ببینند در آن میدرینند چنانچه همین طور شد چون فرعونیان راه را خشک و صاف دیدند در آن درآمدند پس از ورود آنها آب بحر به حکم خدای تعالی از چهار طرف حرکت کرده باهم پیوست و بدین وسیله تمام لشکر در آب غرق گردید .

كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿۳۸﴾

بسیار گذاشتند و باغها و چشمهها

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿۳۹﴾ وَنَعْمَ كَانُوا

و کشتها و منازل و نیکو و سامان آسایش که بودند

فِيهَا فَكِهِينَ ﴿۴۰﴾ كَذَلِكَ وَأُورَثْنَهَا

در آن متنعمان همچنین شد و میراث دادیم آنها را

قَوْمًا آخِرِينَ ﴿۴۱﴾

برای قوم آخر

تفسیر: بنی اسرائیل رامالك آن ساختیم چنانکه درسورة «شعراء» تذکار یافته ازین برمی آید که بعد از غرق فرعونیان بنی اسرائیل درمصر دست یافتند - و اگر این واقعه ثابت نباشد مطلب چنین میشود هر نوع سامانیکه فرعونیان گذاشته بودند همان قسم را به بنی اسرائیل دادیم والله اعلم .

فَمَا بَكَتُ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ

پس گریه نکرد به فرعونیان و آسمان و زمین

تفسیر: در روایات است که بر مردن مؤمن آن دروازه آسمان میگرید که از آن روزی اش فرود می آمد و یا عمل صالح او از آن بالا میرفت و از زمین همان موضع گریه میکند که بر آن نماز میخواند یعنی افسوس که این سعادت از ما ستانیده شد - کافر که هیچ تخم عمل صالح ندارد چرا آسمان و زمین به مرگش گریه کند بلکه شاید خوش میشود که خس کم شد و جهان پاک .

وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ ﴿٢٩﴾ ۱۰۱ وَ لَقَدْ نَجَّيْنَا ۱۰۲

و نبودند مهلت داده شدگان و (هر آئینه) و نجات دادیم

بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣٠﴾ ۱۰۳

بنی اسرائیل را از عذاب ذلیل کننده

مِنْ فِرْعَوْنَ ط

از (عذاب) فرعون

تفسیر: بلکه وجود فرعون مصیبت مجسم بود

إِنَّهٗ كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ ۱۰۴

(هر آئینه) او بود بلند از جمله از حد گذرندگان

تفسیر: یعنی بسیار متکبر و سرکش بود .

وَلَقَدْ آخَذْنَا مِنْهُمُ بِالْعَمَلِ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٢﴾ ۱۰۵

و (هر آئینه) برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته بر عالمها

تفسیر : اگر چه به افراط کاریهای بنی اسرائیل و دیگر احوال ایشان آگهی داشتیم باز هم نسبت به تمام مردم آن عصر آنها را فضیلت دادیم مگر بعضی فضائل جزئیة آنها تا به امروز به هیچ قوم نصیب نشده از آن جمله است انبیای بسیار که از بین ایشان مبعوث گردیدند .

وَآتَيْنَهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهَا بَلَاءٌ لِّمَنِ ۝۳۴

و دادیم ایشان را از نشانیها آنچه در آن نعمت آشکارا بود

تفسیر : یعنی بذریعہ حضرت موسی (ع) «من وسلوی» و سنايہ ابر ها و غیر ذلک بر آنها فرو فرستاده شد .

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ۝۳۵ إِنَّ هِيَ

(هر آئینه) این کفار مکه میگویند نیست هیچ مردن

الْأَمْوَاتُ تَحْيَا أَوْلَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُشْرِكِينَ ۝۳۶

(که بعد از آن زندگی باشد) مگر مردن نخستین و نیستیم برانگیخته شدگان

تفسیر : ذکر قوم موسی (ع) استطراد آمده - ازین به بعد باز ذکر قوم آنحضرت (ص) در بین می آید یعنی اینها میگویند که مرگ مرحله آخرین زندگی ماست و پس از مرگ تمام قصه ختم میشود - بدون زندگی حاضره زندگی دوم قطعاً نیست نه حشری است و نه حساب و کتابی می باشد .

فَأْتُوا يَا بَا عِنَّا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝۳۷

پس بیارید پدران ما را اگر هستید راست گویان

تفسیر : به پیغمبر و مومنان میگویند که اگر شما در عقیده خود راست هستید که بعد از مردن زندگی دوباره نیز هست پس پدران مرده ما را یکبار زنده نموده بما نشان بدهید در آن هنگام قول شما را تصدیق خواهیم کرد .

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ يَتَّبِعُونَ

آیا ایشان بهترند (قوی ترند) یا قوم تبع

تفسیر : «تبع» لقب پادشاه یمن بود که حکومت او در «سبأ» و حضر موت و غیره قائم بود - چون عده «تبع» خیلی زیاد بوده نمیتوان گفت که درینجا کدام «تبع» مراد است بهر حال این قدر واضح است که قوم اودارای قوت و جبروت زیاد بود که بسبب سرکشی خود تباہ شدند و ذکر آن در سوره سبأ گذشت والله اعلم .

وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ط أَهْلَكْنَاهُمْ

و آنانکه پیش از ایشان بودند هلاک ساختیم ایشان را

إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿۳۷﴾

بدرستیکه ایشان بودند کافران

تفسیر : مثلاً عاد و ثمود و غیره این همه را الله تعالی در پاداش گناهان آنها محو و نابود نمود - آیا شما نسبت به آنها بهتر و یا قویتر هستید که شمار اهلک نخواهد کرد و یا اهلک نخواهد توانست ؟ .

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

و نیافریدیم آسمانها و زمین را و آنچه میان هردوست

لِعَبِينِ ﴿۳۸﴾ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِحَقِّ

بازی کنان (یعنی عبث) نیافریدیم هر دورا مگر بتدبیر درست

وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۹﴾

و لیکن اکثر مردم نمیدانند

تفسیر : یعنی این کار خانه بزرگ را به هیچ صورت به لهو و لعب نمیتوان تعبیر کرد بلکه به منتهای حکمت بالفه ساخته شده که نتیجه آن روزی ظاهر خواهد گردید و آن نتیجه عبارت از آخرت است .

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقًا تَهُمُ أَجْمَعِينَ ﴿۴۰﴾

بتحقیق روز فیصله موعده مقرر همه ایشان است

تفسیر : در آن روز محاسبه اعمال همگان بیک وقت بعمل می آید و بپایان میرسد .



تفسیر : این حکم به فرشتگانی صادر میشود که به تعذیب مجرمین مامورند .

ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِمْ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿۴۴﴾ ط

باز بریزانید به بالای سراو آب جوش عذاب

تفسیر : آن آب از دماغ و گلو فرودآمده روده هارا بریده بیرون خواهد برآمد (اعاذنا الله منه) .

ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿۴۵﴾ لاج

بچش هر آئینه توئی باعزت گرامی قدر

تفسیر : توهمانی که در دنیا بسیار معزز و محترم شمرده میشدی و خود را سردار میخواندی اکنون آن عزت و سرداری تو کجارفت؟

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ﴿۵۰﴾

هر آئینه همین است آنچه در آن شک میکردید

تفسیر : یقین نداشتید که این روز بدراهم خواهید دید - درین فریب بودید که « فقط همین طور در لهو و لعب خواهد گذشت بالآخره با خاک آمیخته خاک خواهیم شد آنگاه چیزی بظهور نمیرسد » اکنون دیدید سخنانیکه از طرف پیغمبران بیان شده بود همه راست برآمد .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿۵۱﴾ لا

هر آئینه متقیان در جای باامن اند

تفسیر : کسانی که در دنیا از حضرت الهی (ج) میترسند در آخرت باامن و امان خواهند بود و هیچ رنج و غم نزدیک آنها نخواهد رسید .

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿۵۲﴾ جلا

در بوستانها و چشمه ها میبوشند از

سُدِّسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَلِّبِينَ ﴿۵۳﴾ جاصل

ابریشم باریک و ابریشم سطر در حالیکه روبروی یکدیگر باشند

تفسیر : پوشاک ایشان از ابریشم باریک و ابریشم لك می باشد - يك بهشتی از دیگر بهشتی روگردان نخواهد شد آنها بی تکلفانه مانند دوستان رو بروی همدیگر خواهند نشست .

كذالك <sup>ق</sup> و زور جنهم <sup>ط</sup> یحور عین <sup>ط</sup>

حال همچنان است      وجفت سازیم ایشانرا      به حوران بزرگ چشم

تفسیر : یعنی ایشان را با حور عین جفت می سازیم .

یدعون فیها <sup>ل</sup> بگل فاکهه <sup>ل</sup> امین <sup>ل</sup>

میخواهند      درآن هر      میوه را      بخاطر جمعی

تفسیر : هر میوه را که بخواهند فوراً بایشان حاضر آورده میشود هیچ فکر و اندیشه انقطاع و امتناع آنرا نداشته در کمال آسایش خاطر میخورند و میتوشند .

لا یدوقون فیها الموت <sup>ج</sup> الا الموتة <sup>ج</sup> الاولى <sup>ج</sup>

نچشند      درآن مرگ را      لیکن مردن نخستین را (که پیش چشیده اند)

تفسیر : یعنی موت گذشته گذشت آینده گاهی مرگ نمی آید دائماً درین عیش و نشاط زیست میکنند نه خود ایشان فنا دارند و نه به سامان نشاط ایشان زوال و فنا راه دارد .

و وقهم <sup>ل</sup> عذاب الجحیم <sup>ل</sup> فضلا <sup>ل</sup>

و نگهداشت ایشانرا      از عذاب      دوزخ      بسبب فضل

من ربك <sup>ط</sup> ذلك هو الفوز العظيم <sup>ط</sup>

پروردگارتو      همین است      کامیابی      بزرگ

تفسیر : کامیابی بزرگ تر ازین چیست که از عذاب الهی (ج) محفوظ و مصون ماندند و برای همیشه طرف الطاف و افضال کبریائی قرار گرفتند .

فانها یسرنه <sup>هـ</sup> بلسانک <sup>هـ</sup> لعلمهم <sup>هـ</sup> یتدکرون <sup>هـ</sup>

پس جزاین نیست که آسان ساختیم قرآن را بزبان تو شاید که ایشان (فهمیده) پند گیرند  
تفسیر : یعنی اینها به زبان مادری خود به آسانی بفهمند و آنرا یاد داشته باشند .

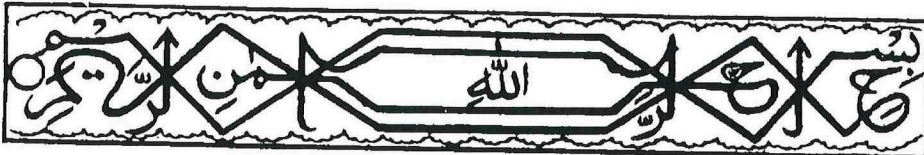
# فَارُ تَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ ﴿٥٩﴾

پس منتظر باش (بعاقبت کار آنها) بدرستی که ایشان نیز منتظرانند

تفسیر : اگر اینها بپند نپذیرند تو کمی منتظر باش آنها سرانجام بد خود را استقبال خواهند کرد اینها منتظرند که بر تو مصیبتی وارد شود لیکن تو اکنون نگران باش که حال خود آنها چه میشود .

(تمت سورة الدخان بفضل الله ورحمته فله الحمد و المنة)

(سورة الجائية مكية و هي سبع وثلثون آية واربعة ركوعات)  
(سورة الجائية مكي و آنسی و هفت آیت و چهار ركوع است)



آغاز میکنم بنام خدا یکی بی اندازه مهربان نهایت با رحم است

# حَمَّ ۱ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ

فروفرستادن این کتاب از طرف الله است غالب

# الْحَكِيمِ ۲ إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

با حکمت بتحقیق در آسمانها و زمین

# لآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ ۳

نشانهاست بر مؤمنان را ط

تفسیر : یعنی اگر انسان اراده پذیرفتن و ایمان آوردن کند در پیدایش همین آسمان و زمین تفکر و در نظام محکم آن تدبیر نماید قبول میکند که حتماً صانع اینها را آفریده و چونکه میدارد یعنی به کمال حکمت و خوبی آنها را ساخت و بقدرت لامحدود خود به حفاظت آنها پرداخت «البقرة تدل على البعير والاقلام تدل على المسير فكيف لا يدل هذا النظام العجيب الغريب على الصانع اللطيف الخبير» .

# وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ

و در آفریدن شما و آنچه پراکنده میکند از جانوران

اٰیٰتٍ لِّقَوْمٍ یُّوْقِنُوْنَ ۝۴

نشانه‌هاست قومی را که یقین دارند

تفسیر: اگر انسان در ساختمان خودش و آفرینش حیوانات دیگر غور کند برای اینکه به درجه عرفان و ایقان برسد هزاران نشانه‌ها و دلائل خواهد یافت.

وَ اٰخْتِلَافِ الَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ مَا اَنْزَلَ

و در اختلاف شب و روز و در آنچه فرود آورد

اللّٰهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ

الله از طرف آسمان روزی (باران)

تفسیر: آب را که ماده روزی است از طرف آسمان نازل فرمود.

فَاَحْیَا بِهٖ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

پس زنده کرد به آن زمین را بعد از مردن آن

وَ تَصْرِیْفِ الرِّیْحِ اٰیٰتٍ لِّقَوْمٍ یَّعْقِلُوْنَ ۝۵

و در گردانیدن بادها نشانه‌هاست قومی را که تعقل میکنند

تفسیر: اگر کمی از عقل و شعور کار بگیرند برایشان هویدا گردد که نظام این امور بدون آن قادر مطلق و حکیم مقتدر به اختیار و اقتدار کسی نیست چنانکه بیشتر در مواضع متعدد بحث شده است.

تِلْكَ اٰیٰتُ اللّٰهِ نَتْلُوْهَا عَلَیْكَ بِالْحَقِّ

این نشانه‌های الله است میخوانیم آنرا بر تو براستی

فَبِآیِّ حَدِیْثٍ بَعْدَ اللّٰهِ وَ اٰیٰتِهٖ یُؤْمِنُوْنَ ۝۶

پس بکدام سخن بعد از سخن الله و آیت‌های او ایمان می‌آورند

تفسیر: یعنی خدا و سخنان خدا را گذاشته دیگر کیست که سخن او قابل قبول باشد و چون بدبختی اینگونه سخنان راست و روشن آن مالک بزرگ را قبول نکند از وی چه توقع می‌رود که چه چیز را قبول خواهد کرد.

وَيْكُ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ۝۷ يَسْمَعُ آيَاتِ

وای است هر دروغگوی گنهگار را که می‌شنود آیت‌های

اللَّهِ تَتْلَى عَلَيْهِ نَمَّ يَصِرُّ مُسْتَكْبِرًا

الله را که خوانده می‌شود بروی باز اصرار می‌کند (بکفر خود) تکبر کنان

كَانَ لَمْ يَسْمَعَهَا ج

گویا نشنیده است آنرا

تفسیر: از سبب ضلوع و غرور خود سخن الله را نمی‌شنود - تکبر او با او اجازه نمی‌دهد که از جهالت خود باز آید - حق را شنیده طوری روی می‌گرداند که گویا هیچ نشنیده.

فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝۸ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا

پس مژده بده او را بعذاب دردناک و چون شنیده بداند از آیات ما

شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ

چیزی را می‌گیرد آنرا بمسخره آن جماعه ایشان راست

عَذَابٍ مُّهِينٍ ۝۹ ط

عذاب ذلیل کننده

تفسیر: چنانکه او به آیت‌های الله معامله اهانت و استخفاف می‌کند سزای او نیز اهانت و ذلت سخت خواهد بود که آینده می‌آید.

مِنْ وَرَأْيِهِمْ جَهَنَّمَ ج وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ

پیش روی ایشان دوزخ است و دفع نکند از ایشان

مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا

آنچه کسب کردند چیزی را (از عذاب) و دفع نکند (نیز) آنچه گرفتند

مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ ج

بجز الله دوستان

تفسیر : در آنوقت اموال و اولاد و غیره هیچ چیز به کار نمی آید و نه آن کسان کار خواهند داد که آنها را بدون الله معبود و یاریق و مددگار خود ساخته بود و از نزد آنها بسیار توقع اعانت و امداد داشت .

وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ط هَذَا هُدًى ج

وایشان راست عذاب بزرگ این (قرآن) هدایت است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ

و آنانکه کافر شدند به آیات پروردگار خود ایشان است عذاب دردناک

مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٍ ع

از جنس عذاب سخت

تفسیر : این قرآن عظیم الشان هدایت است و از سببی نازل شده است که هر نوع بدی و نیکی را بانسان نشان دهد - کسانی که آنرا قبول نکنند منتظر عذاب نهایت غلیظ و درد ناک باشند .

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ

الله همانست که مسخر ساخت برای شما بحرها

لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِ

تاروان شوند کشتیها در آن بحکم او

تفسیر : همچو بحر مخلوقی را چنان مسخر ساخت که شما آزادانه و بی تکلف کشتیها و جهازات را در آن میرانید ، بدین وسیله میلها اعماق بحرا پایاب ساخته اید .

وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۷﴾

و تا طلب کنید از فضل (رزق) او و تا شکر کنید

تفسیر : یعنی به تجارت بحری بپردازید یا جانوران بحری را شکار کنید و یا از ته آن مروارید و غیره را برآرید ، مگر در حین تحصیل این همه منافع و فوائد ، منعم حقیقی را فراموش نکنید حق او را بشناسید و بزبان و دل و قلب و قالب ادای شکر کنید .

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ

و مسخر کرده است برای شما آنچه در آسمانها

وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ ط

و آنچه در زمین است همه را از نزد خود

تفسیر : به حکم و قدرت همرا برای تان رام گردانیده بکار انداخت این محض مهربانی او تعالی است که چنین مخلوقات عظیم الشان به خدمتگذاری انسان مصروف است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۱۸﴾

(هر آینه درین نشانهاست قومی را که تفکر میکنند

تفسیر : انسان بعد از غرور و تفکر فهمیده میتواند که این چیز از اختیار و اقتدار او خارج بود محض از فضل الله تعالی و قدرت کامله او این اشیاء در کار مصروف اند بنابراین بر ما هم لازم است که به کاری مشغول باشیم و آن کار فقط همین است که به فرمانبرداری و اطاعت آن منعم حقیقی و محسن علی الاطلاق ، لمحات حیات مستعار خود را صرف نمائیم تا در آینده سرانجام ما درس ، گردد .

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُ وَالَّذِينَ

بگو برای آنانکه ایمان آورده اند که درگذرد از آنانی که

لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ

توقع ندارند وقائع الله را

تفسیر : از «ایام الله» (یعنی روزهای خدا (ج) آن روزها مراد است که الله تعالی در آنها دشمنان خود را مورد سزای خاص قرار میدهد و یا فرمان برداران خود را به انعام و اکرام خصوصی سر فراز میفرماید - لهذا از «الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ» آن کفار مراد اند که از رحمت او تعالی ناامید و از عذاب شدید او اندیشه ندارند .

لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۱۴﴾

تاجز دهد قومی را به آنچه میکردند

تفسیر : یعنی خود مسلمانان از آنها فکر انتقام گرفتن را نکنند و به الله بگذارند او تعالی در مقابل شرارت های آنها سزای کافی و در عوض صبر و تحمل و عفو و در گذشت مومنین صله مناسب میدهد .

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا

هر که بکند کار نیک پس برای خود اوست و هر که بدی کند پس (و بال آن) براوست

تفسیر : فائده کارهای خوب فقط بخود عاملین میرسد الله به آن چه حاجت دارد؟ و بدی کننده خودش برای خود تخم بدی می کارد - بدی یکی بردوش دیگری نهاده نمیشود خلاصه هر شخص باید فکر نفع و نقص خود را بکند و بداند که هر عملی که میکند سود و زیان آن فقط به شخص خودش میرسد.

ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿۱۵﴾

باز بسوی پروردگار خود باز گردانیده میشوید

تفسیر : در آنجا رسیده هر نوع بدی و نیکی پیش روی خواهد آمد و هر کس پاداش کردارهای خود را خواهد یافت .

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ كِتَابَ  
(و) بتحقیق) دادیم بنی اسرائیل را کتاب

وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ  
و حکومت و پیغمبری و روزی دادیم ایشان را از نعمتهای پاکیزه

تفسیر: یعنی تورات داد و سلطنت و یاقوت فیصله و یا سخنان دانشرو یا فهم و تفقه دین بایشان عطاء فرمود و چقدر پیغمبران بسیار ازین آنها مبعوث گردانید این بود غذای روحانی غیر ازین، غذای جسمانی هم بایشان بسیار داده شد حتی «من وسلوی» بایشان فرو فرستاده شد.

وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾  
و فضیلت دادیم ایشان را بر عالمیان

تفسیر: در آن عصر بر تمام جهان ایشان را فضیلت کلی حاصل بود اما به اعتبار بعض فضائل جزئیة قید «آن عصر» هم ضرورت ندارد.

وَأَتَيْنَاهُم بِبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ  
و دادیم ایشان را سخنان روشن از دین

تفسیر: یعنی احکام نهایت واضح و مفصل و یا معجزات آشکارا و بین دادیم که در باب دین بطور حجت و برهان پیش کرده میشود.

فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ  
پس اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه آمد بایشان علم

بَغِيًّا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ  
از روی حسد در میان ایشان هر آئینه پروردگار تو فیصله میکند میان ایشان

يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيهَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٧﴾

روز قیامت در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند

تفسیر : از سبب ضد و عناد و نفسانیت باهمی اصل کتاب را ترك داده فرقه های بیشمار گردیدند که فیصله عملی آنها بروز قیامت میشود - در آن وقت خواهند دانست که غرض آنها بدون نفس پروری و هواپرستی چیز دیگر نبود .

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا

باز گردانیدیم ترا بر راه ظاهر از کار دین پس پیروی کن آنرا

وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾

و پیروی مکن خواهش آنانی را که نمیدانند

تفسیر : با وجود چنین اختلاف و کشمکش فرقه دارانه این مردم ماترا بر راه صحیح دین قائم و استوار نمودیم - بنابراین بر تو و امت تو لازم است که برین راه همیشه استوار و مستقیم باشی هیچگاه فراموشی و هم خواهشات بیخردان و نادانان را پیروی نکنند مثلاً آنها خواهش دارند که تو از ظمن و تشنیع و ظلم و تعدی آنها به تنگ بیائی و دعوت و تبلیغ را ترک کنی و یابین مسلمانان هم همان قسم اختلاف و تفرقه برپا شود که خود این مردم در آن مبتلا هستند - بنابراین بر شما واجب است که خواهشات آنها را بکلی پایمال کنی .

إِنَّهُمْ لَن يَغْنَوْاكَ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا

(بدرستی که) آنها دفع نکنند از تو هیچ چیزی را از عذاب الله

تفسیر : میلان تو بسوی آنها بحضور خدا (ج) هیچکار نخواهد داد .

وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

(و هر آینه) ستمگاران بعضی ایشان رفقای (کار سازان) بعضی اند

وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩﴾

و الله کارساز متقیانست

تفسیر : یعنی مسلمانان منصف وحق پسند نمیتوانند که باکافران ظالم و بیراه رفیق شوند چه آنها بندگان مطیع خدا(ج) می باشند فقط الله رفیق ومددگار آنهاست بنابراین لازم است که برزاه او تعالی روان باشند و بر همان ذات اعتماد کنند.

هَذَا بَصَائِرٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ

این قرآن بصیرت‌هاست برای مردمان و هدایت و رحمت است

لِقَوْمٍ یُّوقِنُونَ ﴿۲۵﴾

برای قومیکه یقین دارند

تفسیر : این قرآن بر حقایق بزرگ بصیرت افروز مشتمل است - مردم را سخنان مفید و راه کامیابی نشان میدهد و در حق افراد خوش قسمت که بر هدایات و نصائح آن یقین می آرند و عمل میکنند مزید رحمت و برکت است .

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَّ حُوا السِّيَّاتِ

آیا پنداشتند آنانکه کسب کردند بدیها را

أَنْ بَجَعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

اینکه بگردانیم ایشانرا مانند آنانکه ایمان آوردند و کردند

الصُّلِحِ قَف لَاط سَوَاءٌ مِّمَّا هُمْ وَهَمَّاهُمْ

کارهای شایسته برابر است زندگی ایشان و مردن ایشان

سَاءَ مَا یَحْكُمُونَ ﴿۲۶﴾

بد حکم ایشان است این حکم

تفسیر : اگر شئون حکمت الله تعالی در نظر گرفته شود آیا عقلمندی میتواند گمان کند که خداوند متعال با یک شخص شریر و یک مرد صالح یکسان معامله خواهد کرد و سر انجام هر دو را مساوی خواهد ساخت ؟ هرگز نی هر دو نه درین زندگی برابر میشوند و نه بعد از مردن، آن حیات طیبه که به مؤمن صالح در اینجا نصیب میشود و وعده های

نصرت و علو و رفعتی که در دنیا باوداده شده به يك كافر بدكار كجا میسر میشود؟ برای او درین دنیا بدون معیشت تنگ و در آخرت به جز لعنت و خسران چیزی دیگر نیست - الغرض این دعوی بکلی غلط و این خیال سراسر مهمل است که الله تعالی مردن و زیستن نیکان و بدان را يك برابر خواهد ساخت - حکمت او مقتضی این امر نیست بلکه ضروری است که نتیجه صحیح اعمال هر دو نفر ظاهر گردد و آثار نیکی و یا بدی هر يك فی الجمله درین دنیا هم مشاهده میشود و معاینه کامل و مفصل آنها بعد از موت بعمل آید .

وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ

و آفریده خدا آسمانها و زمین را به حکمت

وَ لِنُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ

و تا جزا داده شود هر نفسی را بحسب آنچه عمل کرده است

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

در حالیکه برایشان ظلم کرده نشود

تفسیر : زمین و آسمان را بیکار و بی سنجش پیدا نکرده بلکه برای يك مقصد خاص به کمال حکمت ساخته است تا مردم بعد از غور و تعمق در کیفیت و احوال آن بتوانند معلوم کنند که بدون شك و شبهه هر چیز به کمال حکمت و صحت و سنجش ساخته شده و مردم این را هم اندازه کنند که ازین کارخانه هستی يك روز حتماً يك نتیجه عظیم الشان برآمدنی است که همان را آخرت میگویند جائیکه هر یکی ثمره کمائی خود را خواهد یافت و آنچه کشته است درو خواهد کرد .

(از مکافات عمل غافل مشو \* گندم از گندم بروید جو زجو)

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هُوَ

آیا دیدی کسی را که گرفته است معبود خود خواهش خود را

وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ

و گمراه کرده است او را الله باوجود علم (به استعداد بد او)

تفسیر : الله میدانست که استعداد او خراب است و قابل همین است که از راه راست منحرف شده بهر جانب سرگردان و گمراه بگردد و یا مطلب اینست که آن بدبخت با وجود علم و آگهی و نیز بعد از فهم و سنجش گمراه گشت .

وَّخَتَمَ عَلٰی سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ

و مهر نهاده بر گوش او و دل او و افکنده

عَلٰی بَصَرِهِ غِشْوَةً ۖ فَمِنْ يُّهْدٰى يُّهْدٰى يُّهْدٰى

بر چشم او پرده پس که راه نماید او را

مِنْ بَعْدِ اللّٰهِ ۗ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ۝۲۳

بعد از (اضلال) خدا آیا غور نمی کنید ؟

تفسیر : شخصی که محض خواهش نفس خود را حاکم و معبود خود بگرداند و آنرا اطاعت و پیروی کند و معیار سنجیدن حق و ناحق نزد او صرف همین خواهش نفس باشد الله تعالی هم او را در گمراهی اختیار کرده اومی گذارد در نتیجه به چنان حالت دچار میشود که نه گوشها سخن نصیحت را میشنود و نه دل سخن راست را میفهمد و نه چشمش روشنی بصیرت را دیده میتواند پر ظاهر است هر کسی را که الله تعالی از سبب بد کرداری اش به چنین حالت برساند کدام قوتی است که او را بعد از این براه بیاورد .

وَقَالُوا مَا هِيَ اِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ

و گفتند نیست زندگانی مگر همین زندگانی دنیوی ما می میریم

وَنَحْيَا وَ مَا يُهْلِكُنَا اِلَّا الدَّهْرُ ۚ

و زندگی میکنیم و هلاک نمی کند ما را مگر زمانه

تفسیر : یعنی غیر ازین زندگی دنیا هیچ زندگی دیگر نیست و فقط همین يك جهان است که زیستن ما و مردن ما در آن بعمل می آید همان طوریکه بواسطه باران سبزه از زمین میروید و اگر خشک سالی شد هر چیز خشک شده ختم میگردد و وضعیت انسان نیز همینطور است وقتی می آید که پیدامیشود بعد از آن تا يك وقت معین زنده میماند بالاخر گردش زمانه او را خاتمه میدهد همین سلسله موت و حیات در دنیا جاری است . بعد از آن هیچ نیست .

وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ <sup>ج</sup> إِنْ هُمْ

و نیست ایشانرا ایشان (گفته) باین هیچ علم نیستند ایشان

إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٢٤﴾

مگر تخمین میکنند

تفسیر : یعنی زمانه نام دهر است - اما باید دانست که آن هیچ کاری کرده نمیتواند زیرا که آن نه حس دارد نه شعور و نه اراده - بنابراین این مردم چیزی را ارائه میکنند که آن چیز به کسی معلوم نیست حال آنکه تصرف او در دنیا نافذ و جاری است ، پس چرا این مردم خداوند را مصدر تمام کارها نمیدانند که وجود و تصرف علی الاطلاق بودنش از روی دلائل فطریه و براهین عقلیه و نقلیه ثابت شده است و زمانه را تغیر و تصرف دادن و شب و روز را یکی بعد دیگری آوردن بدست اوست به همین معنی در حدیث و انمود کرده شده که دهر عبارت از الله است آنرا نباید بدخواند - زیرا چون انسان دهر را بد میگوید بهمین نیت میگوید که حوادث دهر بسوی او منسوب است حال آنکه تمامی حوادث دهر زیر اراده و مشیت الله تعالی است - پس تقبیح دهر حقیقتاً بجناب الله تعالی گستاخی است اعاذنا الله منه.

وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمُ آيَاتُنَا بِآيَاتِنَا

و چون خوانده شود به ایشان آیات روشن ما نباشد

حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتُوا بِآبَاءِنَا

دلیل آنها مگر آنکه گویند بیارید پدران ما را

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾

اگر هستید راست گویان (در وعده بعث)

تفسیر : چون آیات قرآن و یا دلائل بعث بعد الموت به او گفته میشود میگوید که هیچ يك دليل راقبول نمی کنم - اگر شما در دعوی خود صادق هستید آبا و اجداد مرده ما را زنده کرده به ما نشان بدهید ما البته تسلیم خواهیم کرد که بیشك بعد از موت زیستن دوباره حق است .

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ

بگو خدا زنده میکند شمارا باز میمیراند شمارا

ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ

باز جمع میکند شمارا بروز قیامت نیست هیچ شبهه در آن

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

و لیکن اکثر مردمان نمی دانند

تفسیر: آن ذاتیکه یکبار زنده ساخت باز میراند - اورا چه مشکل است که دوباره زنده ساخته همه را یکجا جمع کند.

و لِلَّهِ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ

و مرالله است پادشاهی آسمانها و زمین و روزیکه

تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَ مَئِدٍ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ

قائم شود قیامت در آنروز زیانکار شوند تبهاران

تفسیر: در آن روز وقتیکه ذلیل و خوار میشوند خواهند دانست که در کدام فریب و گمراهی افتاده بودند.

و تَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً

و بینی هر فریقا بزانو نشسته

تفسیر: یعنی از خوف و هیبت.

كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا

هر فرقه خوانده می شود بسوی نامه اعمال او

الْيَوْمَ نَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾

(از طرف خدا گفته شود) امروز جزا داده می شوید بحسب آنچه می کردید

تفسیر: هر گروه بسوی اعمالنامه خود خواسته میشود که «بیانید بر طبق ارقام آن حساب بدهید - امروز بهریکی قرار اعمالیکه در دنیا کرده بود پاداش داده میشود».

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ ط

این است کتاب ما که گواهی میدهد به اعمال شما بحق

تفسیر: این اعمالنامه کارهائی را که کرده بودید همه آنها به صحت کامله بشما نشان میدهد و یک ذره هم در آن کمی و بیشی نیست.

إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾

هر آئینه ما می نویساندیم آنچه شما می کردید

تفسیر: هرچیز از ازل در علم و آگهی ما است مگر از روی قانون و اداره فرشتگان ما بر نگاشتن مأمور بودند یاد داشت مکمل نوشته آنها امروز پیش شما موجود است.

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ

پس آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای نیک پس دوارد ایشانرا

رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ط ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿٣٠﴾

پروردگار ایشان در رحمت خود همان است راستگاری آشکار

تفسیر: یعنی در جنت داخل خواهد کرد همان جانی که دارای کمال رحمت و محل هر نوع لطف و نوازش می باشد.

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ أَفَلَمْ تَكُنْ آيَتِي

و اما آنانکه کافر شدند (گفته میشود برای ایشان) آیان بود که آیات من

تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرُوا وَكُنْتُمْ

خوانده میشود بر شما پس تکبر میکردید و بودید

قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿٢١﴾

قوم مجرم (کافر)

تفسیر : اگرچه از طرف ما به ابلاغ نصیحت و تفهیم و اتمام حجت هیچ کوتاهی نشد لیکن سر غرور و نخوت شما خم نگشت بالاخر بصورت کامل جنایت کار شدید و یا از «وکنتم قوماً مجرمین» این مطلب گرفته شود که شما از اول به جنایت کاری آغشته بودید .

وَإِذْ أَقِيلَ إِنَّا وَعَدَدُ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ

وچون گفته میشود (برای شما) که وعده خدا راست است و قیامت

لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ

هیچ شک نیست در آن میگفتید نمیدانیم چیست قیامت

إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُتَّقِينَ ﴿٢٢﴾

هیچ تصور نمیکنیم مگر خیال و نیستیم ما یقین کنندگان

تفسیر : ما نمیدانیم که کیفیت قیامت چیست ؟ چیزیکه از احوال عجیب و غریب قیامت بیان میکند به هیچصورت ما آنرا باور کرده نمیتوانیم - اگر از تاثیر شنیدن این سخنان يك امکان ضعیف قیامت در خاطر ما خطور نماید چیز دیگر است .

وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا أَوْ حَاقَ بِهِمْ

و ظاهر شود ایشانرا بدیهای آنچه کرده بودند و منعکس شود بایشان

مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٢٣﴾

بر آن استهزاهای کردند

تفسیر : چون قیامت میرسد همه بدکرداریهای آنها و نتایج آن پیش روی شان می آید و استهزائی که در باب تهدیدات عذاب و غیره می کردند عکس العمل آن به خود آنها بر میگردد .

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَسِيتُمْ كَمَا نَسِيتُمْ

و گفته شود امروز فرو میگذاریم شما را (مانند) فراموش شده چنانچه فراموش کرده بودید

لِقَاءِ يَوْمِكُمْ هَذَا

این روز خود را

ملاقات

تفسیر : شما امروز را در دنیا فراموش کرده بودید امروز ما هم شما را بظرف و نوازش یاد نمیکنیم و برای ابد همین طور شما را در عذاب و عقوبت میگذاریم مثلیکه شما خود را در لذات دنیا مبتلا و آغشته نموده بودید .

وَمَا أَوْلَاكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَصْرٍ ۝۴۶

و جای شما دوزخ است و نیست شمارا هیچ نصرت دهنده

ذَلِكَ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا

این عذاب به سبب آن است که شما گرفته بودید آیات خدا را به مسخره

وَعَرَّيْتُمْ كُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۝۴۷

و فریفته کرده بود شمارا زندگانی دنیا

تفسیر : در لذت دنیا گرفتار آمده هیچ گاه خیال نکردید که از این دنیا گاهی رخت رحلت بربستن و بحضور خدا پیش شدن هم است - و اگر گاهی بدماغ شما خطوره هم کرد دل خود را به این تصور تسلی دادید که «مثلیکه مادر دنیا مقابل مسلمانان صف آراء هستیم در آخرت هم همین زور و قوت را خواهیم داشت» .

فَا لِيَوْمٍ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ

پس امروز بیرون کرده نشوند از آن ونه از ایشان

يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٢٥﴾

طلب میشود (عذر و توبه)

تفسیر : نه ایشان از دوزخ کشیده میشوند ونه به ایشان موقع داده میشود که برای خوشنودی و رضامندی خدای تعالی کوشش کنند .

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ

پس مرالله راست حمد که پروردگار آسمانها و پروردگار

الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٦﴾ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ

زمین پروردگار عالمهاست و تنها او راست بزرگی

فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

در آسمانها و زمین

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣٧﴾

و اوست غالب باحکمت

تفسیر : انسان باید بسوی او تعالی متوجه شود ، احسانات و انعامات او را قدر کند محض برهدایات او روان شود ، از همه منصرف شده فقط برای حصول خوشنودی او تعالی فکر کند و مقابل بزرگی و عظمت او همیشه باختیار و رضای خود مطیع و منقاد باشد ، خیال تمرد و سر کشی را گاهی بدل خود نیاورد . در حدیث قدسی است «الکبرياء ردائی والعظمة ازاری فمن نازعنی واحدا منها قدفته فی النار» (کبریا چادر من و عظمت از ارمن است بنا بران هر کسیکه در یکی ازین دو چیز با من منازعه و مناقشه کند من او را در آتش پرتاب خواهم نمود) اللهم اجعلنا مطيعين لامرك وجنبا غضبك وقناعلب النار انك سمیع قریب مجیب الدعوات .

(تمت سورة الجائیة بعونه و صونه فله الحمد والمنة و به التوفیق و العصمة)

# ۹۹ نام های الله قرار ذیل است ۱/۲

۳۳	الْعَظِيمُ
۳۴	الْغَفُورُ
۳۵	الشَّكُورُ
۳۶	الْعَلِيُّ
۳۷	الْكَبِيرُ
۳۸	الْحَفِيظُ
۳۹	الْمُقِيتُ
۴۰	الْحَسِيبُ
۴۱	الْجَلِيلُ
۴۲	الْكَرِيمُ
۴۳	الرَّقِيبُ
۴۴	الْمُجِيبُ
۴۵	الْوَاسِعُ
۴۶	الْحَكِيمُ
۴۷	الْوَدُودُ
۴۸	الْمَجِيدُ

۱۷	الرَّزَّاقُ
۱۸	الْفَتَّاحُ
۱۹	الْعَلِيمُ
۲۰	الْقَابِضُ
۲۱	الْبَاسِطُ
۲۲	الْخَافِضُ
۲۳	الرَّافِعُ
۲۴	الْمُعِزُّ
۲۵	الْمُذِلُّ
۲۶	السَّمِيعُ
۲۷	الْبَصِيرُ
۲۸	الْحَكَمُ
۲۹	الْعَدْلُ
۳۰	اللطيفُ
۳۱	الْخَبِيرُ
۳۲	الْحَلِيمُ

۱	الرَّحْمَنُ
۲	الرَّحِيمُ
۳	الْمَلِكُ
۴	الْقُدُّوسُ
۵	السَّلَامُ
۶	الْمُؤْمِنُ
۷	الْمُهَيِّمُ
۸	الْعَزِيزُ
۹	الْجَبَّارُ
۱۰	الْمُتَكَبِّرُ
۱۱	الْخَالِقُ
۱۲	الْبَارِئُ
۱۳	الْمُصَوِّرُ
۱۴	الْغَفَّارُ
۱۵	الْقَهَّارُ
۱۶	الْوَهَّابُ

الرَّوْفُ	٨٣
مَالِكُ الْمَلِكِ	٨٤
ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ	٨٥
الْمُقْسِطُ	٨٦
الْجَامِعُ	٨٧
الْغَنِيُّ	٨٨
الْمُغْنِي	٨٩
الْمَانِعُ	٩٠
الضَّارُّ	٩١
النَّافِعُ	٩٢
النُّورُ	٩٣
الْهَادِي	٩٤
الْبَدِيعُ	٩٥
الْبَاقِي	٩٦
الْوَارِثُ	٩٧
الرَّشِيدُ	٩٨
الصَّبُورُ	٩٩

الْوَاحِدُ	٦٦
الْأَحَدُ	٦٧
الصَّمَدُ	٦٨
الْقَادِرُ	٦٩
الْمُقْتَدِرُ	٧٠
الْمُقَدَّمُ	٧١
الْمَوْخِرُ	٧٢
الْأَوَّلُ	٧٣
الْآخِرُ	٧٤
الظَّاهِرُ	٧٥
الْبَاطِنُ	٧٦
الْوَالِي	٧٧
الْمُتَعَالِي	٧٨
الْبَرُّ	٧٩
التَّوَابُ	٨٠
الْمُنْتَقِمُ	٨١
العَفْوُ	٨٢

الْبَاعِثُ	٤٩
الشَّهِيدُ	٥٠
الْحَقُّ	٥١
الْوَكِيلُ	٥٢
الْقَوِيُّ	٥٣
الْمَتِينُ	٥٤
الْوَلِيُّ	٥٥
الْحَمِيدُ	٥٦
الْمُخْصِي	٥٧
الْمُبْدِي	٥٨
الْمُعِيدُ	٥٩
الْمُحْيِي	٦٠
الْمُمِيتُ	٦١
الْحَيُّ	٦٢
الْقَيُّومُ	٦٣
الْوَاجِدُ	٦٤
الْمَاجِدُ	٦٥

در زیر نامهای ۲۶ پیغمبران گرامی را مشاهده میکنید که نامهایشان در قرآنکریم ذکر شده است

## ۱ - آدم ع

ادریس ع ۲	نوح ع ۲	هود ع ۴	صالح ع ۵
ابراهیم ع ۶	لوط ع ۷	اسماعیل ع ۸	الْحَقُّ ع ۹
یعقوب ع ۱۰	یوسف ع ۱۱	ایوب ع ۱۲	شعیب ع ۱۳
موسی ع ۱۴	هارون ع ۱۵	داود ع ۱۶	سُلَیْمَانُ ع ۱۷
یونس ع ۱۸	الیاس ع ۱۹	ایسح ع ۲۰	ذمی الکفل ع ۲۱
عزیر ع ۲۲	زکریا ع ۲۳	یحیی ع ۲۴	عیسی ع ۲۵

## ۲۶ - محمد (ص)

# پنج پیغمبران اولوالعزم

۱ نوح ع

۲ ابراهیم ع

۳ موسیٰ ع

۴ عیسیٰ ع

۵ محمد ص

# حضرت محمد (ص) و چهار یارانش

حضرت ابوبکر  
صدیق رض

۴  
حضرت  
علی  
رض

حضرت  
محمد  
ص

۲  
حضرت  
عمر  
رض

۳  
حضرت  
عثمان رض



# **HOLY QURAN**

**With**

**Tafsire Kabuli**

**25**